

به مناسبت عملیات حماسه آفرین و ظفرمند ((مطلع الفجر))

آفتاب پیروزی در جبهه های غرب نیز می درخشد

● انقلاب شکوهمند ما در ادامه پیروزی های حماسه آفرین خود با " مطلع الفجر " هایش خواب " قادیسه صدام " را برهم می زند و افول " ستاره درخشان " امپریالیسم را نوید می دهد .

در صفحه ۵

لهستان، سوسیالیستی باقی می ماند

● در برابر توطئه های دستهای از رهبران خائن و ضدانقلابی اتحادیه موسوم به " همبستگی " که بر سر نابودی لهستان سوسیالیستی با امپریالیسم هم پیمان شده و می خواستند جنگ داخلی را بر مردم لهستان تحمیل کنند ، شورای نظامی نجات ملی از همه میهن پرستان خواست که برای نجات کشور ، در راه ایجاد جبهه توافق ملی و متحد بگویند .

در صفحه ۹

وزارت کار به خواست های برحق کارگران بی اعتناست

کارگران ایران ناسیونال با هرگونه اخلاص در تولید مخالفند

● هرچند که در مشروعیت و ضرورت لغو اینگونه " مزایا " (اعطای سهمیه تولید) بحثی نیست ، اما درعین حال با حذف یک شکل کمپنه و نادرست دستمزد ، نباید به تضعیف قدرت خرید کارگران آسیب رساند . لازمه حذف چنین " مزایایی " جایگزینی شکلی منطقی از دستمزد است .

در صفحه ۶

تروور آیت الله دستغیب جنایت تازه ضد انقلاب

با تلاش بیشتر در حفظ جان شخصیت های انقلاب ، هدف جنایتکارانه تروریست ها را در محروم کردن مردم از یاران صدیق امام ، بی اثر سازید .

در صفحه ۱۳

سرانجام، مجلس طرح اراضی شهری را

به تصویب رساند | شورای نگهبان تا امروز با این طرح مخالفت کرده است

در صفحه ۱۲

فرمان ۱۶ آذر امام خمینی

مبارزه قاطع با دشمنان و مخالفان حکومت قانون

بسا فرمان پراهمیت ۱۶ آذر ماه امام خمینی خطاب به شورای عالی قضایی و دادستان کل انقلاب اسلامی در مورد رسیدگی به اعمال بی رویه و خلاف قانون " افراد غیرمسئول و احتمالا از گروه های منحرف و گاهی مقامات مسئول " نیروهای مدافع و پشتیبان انقلاب امکان آن را یافته اند که در شرایط مساعدتری در راه تثبیت و تحکیم انقلاب گام بردارند .
امام خمینی در آغاز سال ۶۰ ، در پیام نوروزی ، امسال را سال قانون اعلام کرده بود . ماه های بعد نیز در هر مناسبتی ، هم از جانب امام و هم از جانب مقامات طراز اول جمهوری اسلامی بر اجرای بدون خدشه قانون تأکیدات مکرر صورت گرفت . با این همه سه ربع سال گذشت و طی این مدت نیروهای خط امام که موفقیت های چشمگیری در طرد خط سازش در حکومت بدست آوردند ، در راه استقرار آرامش متکی به قانون و عدالت اجتماعی در جامعه ، با چنان کاستی هایی روبرو بودند که امام خمینی ناگزیر با صدور فرمانی ، پیگیری و مجازات عوامل قانون شکن را بطور مشخص در دستور مسئولین قرار دادند .
به دنبال فرمان امام ، ...

بقیه در صفحه ۲

قطعه نامه

پلنوم کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

۲۵ آذر ۱۳۶۰ در صفحه ۱۷

اعلامیه کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

درباره اقدامات توطئه گرانه و نفاق افکنانه کشتگر - هلیل رودی
در صفحه ۱۸

توضیحات رفیق فرخ نکهدار

عضو کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)
درباره برخی جنبه های انحراف فکری کشتگر - هلیل رودی



در صفحه ۳

متحد شویم!

تجاوزات امپریالیسم آمریکا و رژیم صدام را در هم کوبیم

فرمان ۱۶ آذر امام خمینی

از صفحه ۱

مبارزه قاطع با دشمنان و...

این فرمان از سوی مقامات قضایی، فرمانده سپاه پاسداران و وزارت کشور بخشنامه‌هایی به مسئولان سراسر کشور ابلاغ گردید. رئیس جمهور نخست‌وزیر و تنی چند از وزرا، اهمیت فرمان امام را در جهت تثبیت جمهوری اسلامی و پیشرفت انقلاب مردم ایران مورد تاکید قرار دادند و حجت‌الاسلام رفسنجانی رئیس مجلس، در جلسه علنی سه‌شنبه ۱۷ آذر در طی سخنانی فرمان امام را "مهم و سرنوشت‌ساز توصیف کرد و افزود:

"امام در لحظه مناسبی بیانیه بسیار مهمی صادر کردند که برای استقرار جمهوری اسلامی و برای ایجاد امن و آرامش خاطر و برای تحکیم عدالت گام بسیار بلند و بجایی است"

حجت‌الاسلام رفسنجانی از سوی نمایندگان مجلس از مسئولان جمهوری اسلامی با قاطعیت خواستار آن شد که:

"برای اجرای این دستور امام نه یک لحظه از فرصت قوت شود و نه از یک مورد تخلف گذشت بشود"

طبعاً برای آنکه در راه استقرار حکومت قانون با کامیابی قرین باشیم، باید ببینیم چه نیروهایی در برابرین ضرورت انقلاب و پیشرفت آن ایستاده‌اند. با آن دشمنی می‌کنند و در اجرای بدون خدشه قانون اخلال می‌کنند و از قانون سرباز می‌زنند. باید دشمنان آگاه و ناآگاه حکومت قانون را به درستی بازشناسیم و کسانی را که در راه حکومت قانون، کارشکنی می‌کنند از گروه اول تمیز دهیم. بدون چنین شناختی، جمهوری اسلامی قادر نخواهد بود آنگونه که میسر مجلس به درستی تاکید کرده است تمام خواسته‌های عدالت‌خواهان را با معیارهای قانونی متحقق سازد.

قانون اساسی جمهوری اسلامی علیرغم کاستی‌هایی که دارد، بیانگر آماج‌های اصلی انقلاب مردمی ایران است. این قانون که "مادر همه قوانین در جمهوری اسلامی ایران است و هر قانونی که در جمهوری اسلامی به تصویب می‌رسد مقدم بر همه باید با آن انطباق داشته باشد، بیان حقوقی هدف‌ها و سمت و سوی انقلاب ضداستبدادی، ضدامپریالیستی و مردمی ماست. به این ترتیب دفاع از حکومت قانون دفاع از تثبیت انقلاب، استمرار و شکوفایی آن است

آمریکا دشمن شماره یک حکومت قانون

امریکای جنایتکار "شیطان بزرگ" و دشمن شماره یک انقلاب مردم ما، دشمن اصلی حکومت قانون در جمهوری اسلامی است. امریکا در شرایط کنونی میهن ما، سرسخت‌ترین مدافع و پشتیبان بی‌قانونی و هرج و مرج است. قانون‌های شورش درست می‌کند، دستجات و باندهای مسلح راه می‌اندازد. تروریست تربیت می‌کند. جنگ تجاوزکارانه براه می‌اندازد، محاصره اقتصادی می‌کند، و از اختلال در امر تولید و احکام، از برپاساختن بلوا و آشوب از

تروریسم کور و لجام‌گسیخته، از بازداشت‌ها و اعدام‌های خلاف قانون، از صادره‌های بی‌رویه تا مخالفت با تصویب قوانینی که به سود محرومان است و از کارشکنی در اجرای قوانینی که متوجه انجام اقدامات بنیادین اجتماعی و اقتصادی است به وسیع‌ترین صورت سود می‌جوید.

برای امپریالیسم سرکردگی امریکای جنایتکار هر اقدامی که از جمهوری و مقامات مسئول آن هتک اعتبار کند مغتنم است. آن را مورد تشویق و ترغیب قرار می‌دهد و با اشکال شناخته و ناشناخته از عاملین آگاه و ناآگاه آن حمایت می‌کند. امریکا دشمن شماره یک حکومت قانون در میهن ماست. بعد از امریکا اذتاب آن دشمنان حکومت قانونند.

قوانین جمهوری اسلامی ایران، که قوانین انقلاباند، قوانین بزرگ‌مالکان و کلان‌سرمایه‌داران نیست. قانون اساسی در صورت اجرای بدون خدشه آن استثمارگران و غارتگرانی را که در پیوند با امپریالیسم جهانی، کارگران را استثمار می‌کنند دار و ندار دهقانان را به غارت می‌برند و مایه افلاس و فقر و خانه‌خوابی و محرومیت دهها میلیون زحمتکش شهر و روستایند، به خاک سپاه خواهد نشاند.

بزرگ‌مالکان و کلان‌سرمایه‌داران به‌ویژه در اجرای اصول ۴۴، ۴۵ و ۴۹ قانون اساسی انجام اصلاحات ارضی، ملی‌کردن بازرگانی خارجی، استرداد اموال غارت‌شده خلق، محدودیت در مالکیت اعمال حق مالکیت ملت بر منافع و ذخایر ملی را می‌بینند. برای خوانین فئودالها، صاحبان زمین‌های صدها هکتاری مکانیزه، وارث‌کنندگان عمده کالا، کارخانه‌داران بزرگ، سهامداران بزرگ بانک‌ها و موسسات مالی، سرمایه‌داران لیبرال، واسطه‌ها و دلالان و احتکارکنندگان کله‌گنده، آنها که چیزی حدود ۱۲۰۰ میلیارد ریال در سال ۵۹ و حتماً بیش از این در ۳ ربعی که از اسامال گذشته است سود برده‌اند، اجرای بدون خدشه قانون و برقراری حکومت قانون به معنی مرگ و نیستی است.

تمامی این خیل غارتگران مردم که دوست و متحد امریکای جنایتکارند دشمنان آشتی‌ناپذیر حکومت قانونند و برای گسترش هرج و مرج و بی‌قانونی از هیچ جنایتی فروگذار نمی‌کنند. برای استقرار حکومت قانون اولین حکم، آن است که بدون تزلزل و فارغ از هرگونه مآضاتی با امریکا و اذتاب آن مبارزه کنیم.

پیچیدگی‌های مبارزه

مبارزه در راه استقرار حکومت قانون پیچیده و بفرنج است. پیچیدگی از آنجا آغاز می‌شود که دشمنان حکومت قانون در لباس دوست ظاهر می‌شوند و پیچیده‌تر آنکه دوستانی وجود دارند که از سر کوردلی تنگ‌نظری و ناآگاهی همان می‌کنند که دشمنان هستند قانون می‌کنند و اتفاقاً به قول امام خمینی "گاهی مقامات مسئول نیز هستند.

دشمنان آشکار حکومت قانون، زمانی که نتوانستند جلوی تصویب قوانین انقلابی را بگیرند، تمام نیروی جهنمی خود را بکار می‌گیرند تا از اجرای قوانین جلوگیری کنند، در اجرای آن اخلال نمایند، در راه اجرای آن مانع‌تراشی کنند و دست آخر اگر همه تیرها به سنگ خورد، از یک قانون انقلابی، شیر بی‌یال و دم و اشکمی بسازند، قانون را مسخ کنند و آن را به ضد خود مبدل نمایند.

"تفاله‌های امریکا" که با استفاده از نقاط

ضعف جمهوری اسلامی از نزول‌تأیی جمهوری خود را جا زده‌اند، آرزوی نیز دست در کارند. قانون‌شکنی سنگر آنهاست. آنها خود را مافوق قانون می‌دانند و برای این کار هیچ لباسی مناسب‌تر از "حزب‌اللهی" نیست.

آنان با تظاهر به افراطی‌گری مذهبی، که بازار گرمی در جمهوری اسلامی ایران دارد، تا بخواهید قانون‌شکنی می‌کنند، آتش‌بیار بازداشت‌های غیرقانونی، تصفیه‌های بی‌رویه اعدام‌های شتابزده هستند. هرکجا که می‌توانند آتش جنگ و نفاق می‌افروزند. در کردستان جنگ سنی و شیعه راه می‌اندازند، بین ترک کرد، بلوچ و ترکمن نفاق می‌اندازند، یورش به اجتماعات قانونی را تشویق می‌کنند محرک اصلی کتاب‌سوزان‌ها هستند و مردم را وادار می‌کنند به جای شعار مرگ بر امریکا، بگویند مرگ بر شوروی و به جای مرگ برینی‌صدر بگویند مرگ بر نودهای و فدایی اکثریت.

با هزاران تزویر و خدعه در لباس دفاع از اسلام و انقلاب، به هر شکل که بتوانند هتک جمهوری اسلامی ایران و مقامات می‌کنند. تا دلتنی بخواهد ناراضی می‌تراشند مردم را علیه اصنام خمینسی و پیروان صدیقشان تحریک می‌کنند و به آنها برچسب "بی‌دینی" و "کوپونیست" همان کمونیست است، می‌زنند فریاد "والاسلام" و "واشریعتاً" سر می‌دهند و در اجتماعات مردم در حالیکه کف به لب آورده‌اند شیون‌کنان بر سر و صورت می‌زنند و نعره می‌کنند "مهدی بیا، مهدی بیا". برای استقرار حکومت قانون باید این تفاله‌های امریکایی را که خودشان را جا زده‌اند از سر تا پای جمهوری اسلامی پاکسازی کنیم. ملاک‌های خدش‌خور، زیانبار و خودساخته در شناخت و انتخاب دوست و دشمن باید قاطعانه به کنار گذاشته شود و میزان تعهد و فداکاری اشخاص با هر ایدئولوژی که دارند در راه آماج‌های انقلاب باید ملاک‌اعتبار و تشخیص انقلابی قرار گیرد.

تازه اینها را که فهمیدیم به مشکل‌ترهایش می‌رسیم. کسانی که در لباس مقامات مسئول و حتی مقامات طراز اول، به نام "اسلام" و "شرع" مخالف دواشته اصل ۴۴ قانون اساسی، مخالف بند "ج" که به قول سرمقاله نویس اطلاعات "جیم" شده است، مخالف ملی‌کردن بازرگانی خارجی و مخلص کلام مخالف هر قانونی هستند که غارتگری کلان‌سرمایه‌داران و بزرگ مالکان را محدود می‌کند و هنرشان این است که با هر قانونی که به‌سود این مردم خصوصاً این جنوب‌شهری‌ها، این پابرنه‌ها "است دواشته مخالفت کنند.

انقلاب باید تکلیف خود را با این دسته روشن کند. مردم تفاوت اسلام اینان را با اسلام مردمی امام خمینی می‌دانند. باید این آگاهی را افزون‌تر ساخت و بیش از پیش با تکیه به مردم خصوصاً به مستضعفین این جنوب‌شهری‌ها، این پابرنه‌ها راه هرگونه توهمی را که مردم نسبت به اینان دارند قاطعانه سد کرد. پاسخ تاریخی امام خمینی به رئیس مجلس تنها یکی از راههای پاک‌کردن توهماتی است که هنوز گروه‌هایی از مردم نسبت به اینان دارند.

دسته دیگری نیز وجود دارند که متأسفانه در شمار مقامات مسئول هستند و حتی بعضاً عهده‌دار مسئولیت‌های مهمی در جمهوری اسلامی نیز می‌باشند.

کسانی که با افتخار می‌گویند "من قانون سرم نمی‌شود فقط تابع خط ولایت فقیه هستم" در حالیکه به قول حجت‌الاسلام دکتر محقق داماد، رئیس بازرسی کل کشور، این تنها کم‌بندستی

توضیحات رفیق فرخ نگهدار

عضو کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

درباره برخی جنبه‌های انحراف فکری

کشتگر - هلیل رودی

خود یافته است که تا دیروز خود را مدافع آن معرفی می‌کرد. علی کشتگر و دوست صمیمی‌اش دکتر هلیل رودی مبارزه علنی خود را علیه سازمان ما شروع کرده‌اند. او به سازمانش پشت کرده و قصد دارد اگر بتواند بآن ضربه بزند. او نیز به‌انبوه عناصری پیوسته است که علیه رهبران اصیل و صدیق سوسیالیسم علمی فعالیت می‌کنند. دیروز شنیدم که قبل از همه روزنامه "جنگ" کشتگر و رفیقش را به سازمان، با مسرت چاپ کرده است و این بسیار بسیار طبیعی است. این موضوع اصلاً "تصادفی نیست" با ویژگی‌های فکری که از اینها می‌شناسیم و با تمام ترس‌های که از آنها داریم از همه لحاظ این گروه واقعا بیشتترین سنخیت را با کشتگر و همفکرانش احساس خواهد کرد. ما به معنی و کشتگر همه این حرفها را زده‌ایم. ما به آنها گفته‌ایم که این تازه آغاز راهتان است. باز گردید. حتم بدانید که آینده‌تان اگر در ادامه کاری که می‌کنید اصرار ورزید، بسیار بسیار تاریکتر از اینهاست. ما صمیمانه امیدواریم که آنها بیش از این سقوط نکنند. اما برای اینکه بیش از این سقوط نکنند تنها یک راه وجود دارد: برگردند. ما صمیمانه امیدواریم که آنها که هنوز سالمند چنین تصمیمی بگیرند. جای آنها که سالمند هنوز هم در سازمان خالی است.

و اما در باره محورهای اساسی انحراف فکری کسانی که سازمان را ترک کرده‌اند، فعلاً در این فرصت کوتاه تنها به سه مساله مهم اشاره می‌کنم که عبارتند از: پاسخ متفاوت به این مساله که تا کجا و چرا با متحدینمان متحدیم؟ درک متفاوت از انترناسیونالیسم پرولتری و اختلاف در چگونگی روند وحدت پیشاهنگ طبقه کارگر. سایر موارد را به بعد موکول می‌کنیم.

تناسب قوا یا آماج‌های مشترک؟

باید بگویم سابقه اختلاف به‌پاییز سال ۵۸ برمی‌گردد. از آن زمان بتدریج دو نقطه نظر متفاوت در مورد آینده اتحاد ما با نیروهای خط امام شکل گرفت. یک نظر در عین حال که می‌پذیرفت نیروهای پیرو خط امام دارای ماهیت ضدامپریالیستی هستند مدعی بود که اتحاد ما با نیروهای خط امام تا زمانی ادامه می‌یابد که تناسب قوا عملاً "بسود آنها باشد". نظر دیگر این تحلیل را فرصت‌طلبانه و کاملاً "غیر علمی" توصیف می‌کرد. معتقد بود که اتحاد عمل ما با پیروان خط امام - برآماج‌های مشترک پیروان سوسیالیسم علمی و مسلمانان انقلابی پیرو خط ضدامپریالیستی و مردمی امام خمینی در مهمترین مسائل اجتماعی، اقتصادی و سیاسی موجود جامعه‌مان استوار است و نه تناسب قوا میان ما و آنها. نظر اول نظر عناصر منشعب و نظر دوم نظر کمیته مرکزی سازمان بود. تا وقتی تعرض بنی‌صدر و مجاهدین علیه نیروهای خط امام آغاز نشده بود تاثیر عملی این اختلاف نظر آشکار نبود. اما از تابستان سال گذشته تا تابستان امسال

هفته گذشته جزوهای که توسط علی کشتگر - دکتر هلیل رودی و همدستانش تهیه شده بود، حاوی اتهامات و افتراءات ناروا به سازمان ما و همد پیروان اصیل سوسیالیسم علمی انتشار یافت. اکنون علی کشتگر سنگر سازمان ما را رها ساخته و همراه همدستانش هلیل رودی راه مبارزه با سازمان ما و همه پیروان اصیل سوسیالیسم علمی را برگزیده است. چنانکه در اعلامیه کمیته مرکزی سازمان نیز اشاره شده است، اکنون دکتر منوچهر هلیل رودی، فعال سابق کنفدراسیون همراه با مرفش علی کشتگر در رأس افرادی قرار گرفته‌اند که با توسل به دستبندی پنهانی و استفاده از روش‌های توطئه‌گرانه تمام تلاش خود را بکار گرفته‌اند که به سازمان ما که میراث خون و تلاش صدها تن از فدائیکارترین فرزندان خلق ماست، ضربه بزنند. آنها وقتی از کشیدن سازمان به راه راست روانه خود مایوس شدند چنین تصمیمی گرفتند. آنها بنحو کاملاً "کینه‌توزانه‌ای تلاش کرده‌اند که حتی با توسل به اقداماتی نظیر از کار انداختن و مخفی کردن وسایل و امکانات سازمان مابغ فعالیت انقلابی آن شوند. آنچه اکنون بسیار ضروری است توجه بعمق اندیشه‌ها و افکار منحرفی است که محصول بسیار طبیعی آن بناگزیر این‌گونه روشها و اقدامات توطئه‌گرانه و ضدانقلابی است. آنچه در زیر می‌خوانید توضیحاتی است که در این رابطه رفیق فرخ نگهدار عضو هیأت سیاسی کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در باره برخی جوانب انحراف فکر این افراد بیان کرده است.

کند هم جنس با هم جنس پرواز

تبل از اینکه به‌موضوع اصلی برسم باید بگویم که در راهی که ما برگزیده‌ایم، در راه مبارزه بخاطر آزادی طبقه کارگر دوستان نیمه راه بسیار بوده‌اند هستند و خواهند بود. آنچه که کارگران جهان تا اینجا بدست آورده‌اند هرگز آسان بدست نیامده است. تاریخ ۲۰۰ ساله جنبش کارگری - کمونیستی جهان سراسر تاریخ نبرد است. نبرد با دشمنانی که رمز حیات خود را در نابودی جنبش کارگری می‌دیدند. نبرد با دشمنانی که رمز حیات خود را در کشاندن این جنبش به بیراهه می‌دیدند. پیشگامان جنبش کارگری هرگز برای نبرد دوم اهمیت کمی قابل نبوده‌اند. تاریخ شصت و چند ساله جنبش کارگری-کمونیستی ما نیز سراسر ملو است از همین نبرد ها. و البته این ویژگی همه جنبش‌های انقلابی است. جنبش خلق ما نیز چه بعد از مشروطه، چه در دهه ۳۰ و ۴۰ چه در انقلاب کنونی همواره از دو سو مورد هجوم بوده است. هم از درون، هم از بیرون. سازمان ما هم، از پیروزی انقلاب تا امروز، راه درازی رفته‌است. حاصل این راه چه بوده است؟ حاصل این راه همان جای وسیعی است که امروز حرفهای ما در دل میلیون‌ها مردم زحمتکش ما باز کرده است. حاصل این راه پیوند محکمی است که میان ما و خلق قهرمان و ایثارگرم‌ان استوار گردیده است، حاصل این راه همانا جایگاه محکمی است که سازمان ما بنابینه یکی از پیگیرترین مدافعان انقلاب در اردوی نیروهای مدافع انقلاب یافته است. جایی که هیچ‌یک از گروهها و احزابی که با ما آغاز کرده بودند هرگز موفق نشدند درهای آن را هم اشغال کنند. و پر واضح که لازمه پیمودن این راه، کنار رفتن سنگهایی بود که پیشرفت سازمان را مانع می‌شدند و امروز حرکت تکاملی سازمان ما یکی دیگر از محافلی را در مقابل

حادثه‌ترین اختلافات با عناصر نامبرده در نشریه کارگری علی کشتگر نیز در تحریریه آن کار می‌کرد شکل گرفته بود. طرفداران نظر اول در این دوره بحرانی بیشتر تزلزل را در محکوم کردن بنی‌صدر و فرصت‌طلبی خیانت‌کارانه رهبری مجاهدین و جانبداری پیگیرانه از نیروهای خط امام از خود نشان می‌دادند. آنها فکر می‌کردند مردم "بنی‌صدری" ندهاند و دفاع "یک‌جانبه" از خط امام ما را نیز همراه آنان منفرد خواهد کرد. بسیار ساده است که بفهمیم چرا و چگونه حامیان نظر اول در روزهای سختی یاران خود را تنها می‌گذارند و چگونه و چرا مدافعین نظر دوم زمانی که فشار افزایش می‌یابد پیوند خود را با متحدینشان مستحکمتر می‌سازند. ما کمونیست‌ها هرگز نباید اساس اتحاد خود را با سایر نیروهای اجتماعی به‌تناسب قوا موجود منکی کنیم و نمی‌کنیم. ما قبل از هر چیز تضادهای اجتماعی را در نظر می‌گیریم و بر پایه مواضعی که دیگران نسبت به این تضادها اتخاذ می‌کنند آنان را در جنبه خلق و یا در مقابل آن می‌یابیم. ما آماج‌های مشترکمان با سایر نیروها در مبارزه طبقاتی را مبنای تعیین سیاستمان می‌دهیم. این آموزش بزرگی است که ما از لنین آموزگار کبیر کارگران جهان آموخته‌ایم. من در اینجا بسیار موارد اختلاف در زمینه خط مشی و از جمله به‌درک نادرست آنان از مقوله "آزادی" اشاره‌ای نکردم. جا دارد که جداگانه آن را نیز مورد بحث قرار دهیم. فقط در اینجا می‌گویم که منافسان تا امروز ما هنوز موفق نشده‌ایم آنها را به تفاوت بنیادین سیاست دفاع از آزادی برای محرومان و زحمتکشان جامعه و سیاست دفاع از آزادی‌های لیبرالی متوجه سازیم.

پذیرش مواضع جنبش جهانی کمونیستی در حرف و در عمل

سابقه امر در این مورد به‌بحثهایی بر می‌گردد که به‌تنظیم و انتشار مقاله مرزبندی در کار شماره ۹۷ منجر گردید. ما تجهیز خود به‌انترناسیونالیسم پرولتری و درک صحت و حقانیت خط مشی جنبش کمونیستی جهانی را مبنای نزدیکی و همفکری خود با پیروان اصیل آن در ایران می‌یافتیم. ولی کسانی که اکنون در خود را از ما جدا کرده‌اند وقتی از ایستادگی در برابر حقانیت غیر قابل انکار مواضع جنبش جهانی نومید شدند، پذیرش صوری این مواضع را وسیله مبارزه با مدافعین اصیل آن در ایران قرار دادند. آنها واقعا تمام تلاش خود را بکار بردند که از طریق تحریف مفاد قطعنامه‌های ۱۹۵۷، ۱۹۶۰ و ۱۹۶۹ راهی برای بیرون کردن حزب توده ایران از جرگه احزاب طبقه کارگر جهان بیابند. من در اینجا درست یاد مضمون نامه ۲۵ ماده‌ای کمیته مرکزی حزب کمونیست چین به کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی در ۱۹۶۳ می‌افتم که در آن کوشش غربی بکار رفته بود که حزب کمونیست چین مدافع قطعنامه‌ها و حزب کمونیست اتحاد شوروی، که خود نقش کاملاً "درجه اولی در ارائه آن نظرات داشته است، مخالف آن جلوه داده شود. آنها نیز وقتی از ایستادگی در برابر مواضع منطقی قطعنامه‌های ۵۷ و ۶۰ نومید شدند پذیرش آنرا وسیله حمله به‌واضعین اصیل آن قرار دادند. و این کار مصداق زیبایی همان سخن داهیانه لنین است که گفت: "پیروزی‌های مارکسیسم در عرصه تئوری دشمنانش را و می‌دارد که به‌لباس مارکسیسم درآیند". و ما به تجربه دیده‌ایم که تاریخ به‌لیبرال‌هایی که لنین

این حرف را در باره آنها گفته بود، و هم چنین به تروتسکیست‌ها و مائوئیست‌ها و بطور کلی به همه اپورتونیست‌ها و رویزیونیست‌های مفاصل فرصت زیادی نداد که چهره خود را پنهان سازند. پیشرفت مبارزه تاریخی همه این جاعلین مارکسیسم را وامی‌دارد که دست خود را روکنند و لباس عاریت دفاع از مارکسیسم را از تن بدر آورند. هرچند که دیالکتیک تاریخ چنان است که همواره عده جدیدی پیدا می‌شوند که همان انحرافات کهنه را در لباس‌های نو تکرار می‌کنند و برای پیشرفت مقاصد خود مارکسیسم را به عاریت می‌گیرند.

باز هم باید تاکید کنم که اصالت علی کشتگرها تنها در حرف از مواضع جنبش جهانی کارگری و کمونیستی دفاع می‌کنند. آنها در عمل به آن پای بند نمی‌مانند. مثالی می‌زنم که روشن شود قضیه چگونه است و چرا می‌گوییم آنها به انترناسیونالیسم فقط برای مبارزه با مدافعان واقعی آن نیازمندند. آنها می‌گویند حزب توده ایران حزب طراز نوین طبقه کارگر ایران نیست. پس حزب توده ایران فاقد ویژگی‌هایی است که مستهترترین تئوریسین‌های جنبش کمونیستی جهانی برای چنین حزبی در نظر می‌گیرند. آنها اصلاً هیچ توجه نمی‌کنند برجسته‌ترین تئوریسین‌هایی که این ویژگی‌ها را جمع‌بندی کرده‌اند آیا حزب توده ایران را حزب طراز نوین طبقه کارگر می‌دانند؟ و اگر می‌دانند چرا چنین نظری دارند؟ آنها فقط جارو جنجال راه می‌اندازند که حزب توده ایران حزب طبقه کارگر ایران نیست و باید چنین حزبی تشکیل شود.

آنها اگر می‌خواستند در عمل به گفته برجسته‌ترین تئوریسین‌های جنبش کمونیستی جهانی اعتباری قابل باشند توجه می‌کردند ببینند آنها کدام یک از احزاب سیاسی جهان را احزاب طراز نوین طبقه کارگر می‌شناسند. اگر آنها برای رهنمودهای جنبش کمونیستی جهانی اعتباری قابل بودند به حزب توده ایران مراجعه می‌کردند و با آن بحث می‌کردند. دلایل آن را می‌شنیدند و دلایل خود را نیز می‌گفتند. اصل راه بر مشاوره و همکاری می‌گذشتند نه اینکه خود را برتر از همه بدانند و متفرعانه فکر کنند تمام دنیا اشتباه می‌کنند و فقط آنها درست می‌گویند. این یک روحیه صد در خرده بورژوازی، تنگ نظرانه و سکناریستی است. ما مدت‌هاست که این روحیات را ترک گفته‌ایم. ما در عمل برای مواضع مشترک کمونیست‌های جهان اعتبار قائلیم.

زمانی رهبران یکی از این گروه‌های چپ‌رو در روزهای بعد از انقلاب به ما مراجعه کردند که می‌خواهیم با شما وحدت کنیم در میان بحثها ما به آنها گفتیم اصلاً شما به وجود چیزی بنام جنبش کمونیستی جهانی قائلید یا نه؟ آنها گفتند البته که قائلیم. از آنها پرسیدیم حزب کمونیست اتحاد شوروی را یک حزب کمونیستی می‌شناسید؟ گفتند خیر. پرسیدیم چین را چطور؟ گفتند آسایبی چه می‌گویید؟ گفتند آنها هم نیستند. از اروپا و آمریکا پرسیدیم. آنها را هم یکی یکی کنار گذاشتند. کم‌کم متوجه شدیم که منظور آنها از جنبش جهانی کمونیستی فقط گروهک خودشان است آنها در حرف بطور کلی وجود چنین جنبشی را می‌پذیرفتند اما وقتی پای عمل و مورد مشخص پیش می‌آمد یکی یکی احزاب کمونیستی را دشنام می‌دادند. به نظر من آنها هم که امروز این جزوه را نوشته‌اند فقط ظاهراً مواضع جنبش کمونیستی جهانی را می‌پذیرند و تاکید می‌کنم فقط تا آنجا می‌پذیرند که فکر کنند از طریق آن بهتر می‌توانند با پیروان صدیق آن مواضع مبارزه کنند. به نظر ما و بنا به تجربیات مکرر تاریخی این گونه نظریات هیچ وجه اشتراکی با

انترناسیونالیسم ندارد. آنها همه عمیقاً بدافکار و تمایلات تنگ‌نظرانه و شدیداً سوسیالیستی آلوده است.

راه کعبه از طریق ترکستان!

کشتگر و رفقایش مدعی‌اند: اگر در کسوری جریان‌های مارکسیستی مختلفی (که همگی در چهارچوب خط مشی عمومی جنبش کمونیستی جهانی فعالیت می‌کنند) وجود داشته باشد، راه درست و اصولی برای وحدت آنها اینست که هر یک از آنها "مستقلاً" برنامه و اساسنامه تدوین کنند، حزب جداگانه‌ای بسازند و با یکدیگر وارد مبارزه شوند. آنها مدعی‌اند چنین احزابی می‌توانند در عین حال به خط مشی جنبش کمونیستی جهانی هم وفادار بمانند. علاوه بر این آنها وقتی در یک سازمان فعالیت کنند هر یک را با دیگران به اختلاف نظر برسند اگر در اکثریت باشند اقلیت را فوراً اخراج و تصفیه می‌کنند و اگر در اقلیت باشند فوراً فراکسیون درست می‌کنند، خود را اکثریت معرفی می‌کنند، نام سازمان را می‌ریزند و روی خود می‌گذارند و سازمان را هم منحل اعلام می‌کنند. کمیته مرکزی سازمان عمیقاً درک می‌کند و به استناد دهها تجربه عملاً می‌بیند که اولاً صاحبان چنین افکاری ضرورتاً به جنبش جهانی و انترناسیونالیسم پرولتری وفادار نمی‌مانند، ثانیاً باز هم بنا به تجربه تاریخی (همان چیزی که روشنفکران دایماً آنرا فراموش می‌کنند) جریان‌هایی که اینطور شروع می‌کنند ضرورتاً امپریالیسم و همه دشمنان خلق را به فراموشی می‌سپارند و همسویا دشمنان طبقه کارگر به مبارزه با پیروان صدیق سوسیالیسم علمی و

انترناسیونالیسم پرولتری دست می‌زنند. علاوه کمیته مرکزی سازمان عمیقاً اعتقاد دارد برنامه و اساسنامه حزب طبقه کارگر اساساً محصول خرد جمعی، همفکری و حرکت متشکل تاریخی مارکسیست - لنینیست‌هایی است که به خط مشی عمومی جنبش جهانی کمونیستی وفادارند. هر فکر دیگری جز این نمی‌تواند از تمایلات گروه‌گرایانه و سکناریستی تهی باشد. هر فکری جز این لزوماً و در پروسه خود را محق می‌یابد که در سازمانش علیه یاران خود دسته‌بندی درست کند. وحدت و انضباط سازمانی را در هم شکنند و کاری کند که تمام فایده اش عملاً به جیب دشمن رود. به نظر من چنانچه همه نیروهایی که به خط مشی عمومی جنبش کمونیستی جهانی وفا دارند در سنگ سازمان واحد که بر اساس موازین لنینی زندگی حزبی هدایت می‌شود - متشکل شوند بهترین شرایط برای حصول وحدت نظر پیرامون تمامی مسائل جنبش فراهم می‌آید. تجربه نشان می‌دهد که اصرار بر جدایی سازمانی، در چنین شرایطی، فقط می‌تواند بدین قصد باشد که اهرم سازمانی و نام و نشان و اعتبار آن را بوسیله مبارزه علیه یکدیگر بدل سازیم.

جالب اینجاست که اینها برای توجیه نظرات بکلی تفرقه جویانه خود بارها و بارها به این جمله معروف لنین در ۱۹۰۱ توسل جسته‌اند که "قبل از اینکه متحد شویم و برای آنکه متحد شویم باید ابتدا مرز اختلاف نظرها را به وضوح و قطعیت تعیین کنیم" در حالیکه لنین این جمله بسیار بسیار درست را زمانی می‌گفت که هنوز مرز میان مارکسیسم انقلابی و دشمنان آن و بویژه رفرمیسم از لحاظ تئوریک و سازمانی در جهان هنوز بطور کامل ترسیم نشده بود. این خط فاصل را کاملاً مشخص ساخت و بر همین اساس بود که احزاب طراز نوین طبقه کارگر پدید آمدند و راه خود را از احزاب اپورتونیست و رویزیونیست که چندی بعد نوکری سرمایه‌داری را برعهده گرفتند در مقیاس جهانی جدا ساختند. امروز نیز این خط و مرز را آموزش‌های خلاق مارکسیسم - لنینیسم و اصول انترناسیونالیسم پرولتری کاملاً توضیح می‌دهد. آموزش‌ها و اصولی که امروز انطباق خلاق آن بر شرایط دوران ما در خط مشی عمومی جنبش کمونیستی

جهانی بشکل بسیار مشخصی منعکس گردیده است. بدنیال روشن شدن همین خط و مرزها بود که حزب لنین - حزب بلشویک - در ۱۹۲۰ در دهمین کنگره خود هر نوع دست بندی (فراکسیون) را محکوم ساخت و از آن بدیع در تمامی احزاب، فراکسیون‌های غلطی سازمان شکنانه و کاملاً ضد کمونیستی شناخته شده است. البته این آموزش‌ها باید در جای خود به‌دقت مورد مطالعه قرار گیرد. در اینجا یک بار دیگر روی تجربیات تلخ همه اقدامات سازمان شکنانه و انشعابگرانه انگشت می‌گذارم. روشنت خلیل ملکی که کارش عاقبت به همدستی با تاد کشید شد. انشعاب فروتن و قاسمی که محصول طبیعی آن نمی‌توانست چیزی جز حزب آمریکا را رنجبران باشد. روشنت نگون‌بار که کاسی که راه خود را از سازمان ما جدا کرده‌اند باید درس عبرتی باشد برای همه کسانی که راه آنها را می‌روند. علاوه بر این بر اساس مجموعه، جنبش تجاری که در دست است، عمیقاً معتقد ندانم که فعالیت فراکسیونی و انشعابگرانه که علیه احزاب طبقه کارگر صورت گرفته و می‌گیرد بستر مناسب نفوذ و رتد عناصر دشمن است. صریحاً بگویم که امروز دیگر هیچ مسأله تئوریک مانع وحدت میان حزب توده ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) نیست. زیرا در جریان مبارزه ایدئولوژیک فعالی که طی سالهای اخیر در سازمان ما جریان یافته است ما و حزب توده ایران به‌درک واحدی از مارکسیسم - لنینیسم و انترناسیونالیسم پرولتری دست یافته‌ایم.

زمانی که مقاله مرزبندی انتشار یافت به آن ایراد می‌گرفتند که دیدگاه منسحب مقاله بگونه‌ای است که معتقدین به آن اگر در اکثریت باشند مخالفین نظرات خود را تصفیه و اخراج می‌کنند و اگر در اقلیت باشند دست به دسته‌بندی و انشعاب می‌زنند. ما این دزک غلط را رد کردیم و گفتیم مشاوره و همفکری و تجربه و زمان وقتی با مبارزه پیگیر علیه دسته‌بندی همراه شوند یگانه راه منطقی حل تمام اختلاف‌نظرهایی است که طبیعتاً در حزب پدید می‌آید. لکن آنها در عمل خود همان کاری را کردند که بر ما ایراد می‌گرفتند. آنها وقتی در اقلیت قرار گرفتند به توطئه‌گرانه‌ترین شیوه‌ها علیه اکثریت قریب باتفاق اعضای سازمان دسته بندی درست کردند و از سازمان جدا شدند. (و این شیوه تمام کسانی است که به اتحادهایشان در جنبش خلق تا آنجا پای بند می‌مانند که بسودشان باشد.) خلاصه کنم حرف آخر آنها برای رسیدن به وحدت چنین است: هر وقت به اختلاف نظر رسیدیم آنرا باید دسته‌بندی درست کنیم، از همدیگر جدا شویم، با یکدیگر مبارزه کنیم. آنقدر یکدیگر را بگویم که دشمنانمان دست یاری سوبان دراز کنند و سرانجام هم مثل همه کسانی که این راه را رفته‌اند در زیاله دان تاریخ جای بگیریم. چنین راهی قطعاً راه سازمان ما نیست. این راه به ترکستان است. بسوی کعبه نیست. یگانه راه مطمئن و بی‌گزند حل تمامی اختلاف نظرها و تحکیم وحدت آنست که هر اندازه اختلاف نظرها جدیدتر باشد ما باید مشاوره و همفکری مان را فعالتر سازیم. بیشتر با یکدیگر گفتگو کنیم، از تصمیمات اکثریت کاملاً تبعیت کنیم، با هر نوع دسته‌بندی تا به آخر مبارزه کنیم و اگر باز هم موفق نشدیم بر اختلاف‌ها با هم چیره شویم آن را با عامل نیرومند تجربه و زمان محک زبیم. ما یقین داریم و تجربه تاریخی نیز نشان داده‌است که سرانجام در حزب عقاید کسانی شکست می‌خورد که این اصول را نقض می‌کنند و بشیوه‌هایی متوسل می‌شوند که امروز کشتگرها و همراهان آنها بدان متوسل شده‌اند. چنین کسانی لزوماً نمی‌توانند بصحت نظرات خود یقین علمی داشته باشند. چنین کسانی یقیناً با رفقای خود صادقانه رفتار نمی‌کنند. کسانی که در حرف دم از وحدت می‌زنند اما در عمل علیه رفقای خود دسته‌بندی درست می‌کنند

به مناسبت عملیات حماسه آفرین و ظفرمند (مطلع الفجر))

آفتاب پیروزی در جبهه های غرب نیز می درخشد

پاییز ۵۹ فصل هجوم تجاوزگران صدامی - آمریکایی بود. گندمزاران و کوهها و کوهپایه های خونین غرب و جنوب فصل هجوم دشمن و فصل مقاومت یکپارچه میهن را در سال ۵۹ بیاد دارند.

در آن فصل صدام از قادسیه خود سخن گفت و امپریالیسم و جبهه متحد ضدانقلاب از "ایران آزاد" و افول خورشید خونین انقلاب. اما پاییز ۶۰، برای زحمتکشان میهن ما و رزمندگان جبهه های جنگ تحمیلی که سالی را با مقاومتی حماسه آفرینانه در مقابل هجوم توپها و تانکهای دشمن با چنگ و دندان بسر آورده اند، دیگر فصل هجوم دشمن نیست. فصل مقاومت هم نیست. بلکه فصل طلوع پیروزی هاست زمینه های اتحاد و یگانگی عمل که از ابتدای هجوم دشمن در بین رزمندگان سپاه بسیج نیروی نامنظم مردمی و ارتش نطفه بسته بود بعد از عزل و سقوط بنی صدر خائنان، هماهنگی و هماوایی شان از امکانات به واقعیت بدل گشت به گونه ای که از ماهها پیش نیروهای مسلح انقلاب با درس گیری از تجارب یکساله جنگ به آن حدی از هماهنگی و توانایی رزمی رسیده اند که هر روز در جبهه های غرب و جنوب حماسه پیروزی می آفرینند و با عزمی به سختی یولاد ضربات کوبنده ای را بر دشمن تجاوزگر فرود می آورند.

اولین پیروزی بزرگ نیروهای ما در ۶مهرماه ۶۰ درهم شکستن محاصره یک ساله آبادان بود. دومین پیروزی ما در جبهه بستان و نی خضر به بار نشست. و برای اولین بار در طول جنگ دلاوران ما به مرزها رسیدند صدام که با توسل بنده امپریالیسم خیری، شکست بزرگ آبادان را یک عقب نشینی تاکتیکی " اعلام کرده بود این بار نتوانست پیروزی بزرگ نیروهای ما را که بوق های امپریالیستی غرب نیز ناگزیر از اعتراف به آن شدند، کتمان کند. در جبهه های

اشغالی حضور یافت و ضمن تقاضا از فریب خوردگانش خواست که دیگر اجازه پیشروی به نیروهای ایرانی را ندهند و اعلام کرد که ۱۵۰۰ اسیر عراقی بدست نیروهای ایرانی کشته شده اند. و مذبحخانه کوشید با ایجاد جنگی روانی از انتر - سیاسی - نظامی پیروزی بستان بکاهد.

مقامات مسئول نظامی در حالی به پاسخویی به عوام فریبی و مظلوم نمایی صدام مبتنی بر کشتار ۱۵۰۰ اسیر عراقی برآمدند که ساعت ها از یورش قهرمانانه رزمندگان انقلاب بروماض دشمن متجاوز در غرب کشور گذشته بود.

عملیات در ساعت ۳ باعداد جمعه ۲۵ آذرماه برای آزادسازی دشت وسیع گیلانغرب با نام "مطلع الفجر" آغاز گشته بود و رزمندگان سپاه و ارتش و بسیج و عشایر، مردانه با قلبی سرشار از امید و عشق به میهن انقلابی به مواضع دشمن تاخته بودند تا طلوع صحیحی پیروز را برای زحمتکشان میهن خود به ارمان بیاورند.

عملیات گازانبری از دو محور سرپل ذهاب و گیلانغرب آغاز شده بود. هماهنگی کلیه نیروها برآستی قابل تحسین بود. توپخانه ها با غرش مردانه شان راه را می گشودند و دلاوران سپاه، ارتش، عشایر و بسیج سنگرها را فتح می کردند و تیزپروازان نیروی هوایی با پوششی محکم بر آسمان های میهن هر نوع تجاوز خفاشان عراقی را غیر ممکن می ساختند. و هلی کوپترهای هوانیروز با ضربه های سخت آرایش نظامی و استحکامات دشمن را منهدم می کردند.

دفاعی دشمن شکسته شد و دشت وسیع گیلانغرب و ارتفاعات چرمیان سرتپه سیاه کوه. دیزه کوشش بزرگ آوازی، کلینه تنگ کورک، دشت شکنیان و روستاهای گمار، گور سعید گورسوار پس از ۱۴ ماه از اشغال نیروهای متجاوز آمریکایی - صدامی خارج و تولدی دوباره یافت.

با این پیروزی بزرگ در دشت گیلانغرب و ارتفاعات استراتژیک آن بخش مهمی از نیروهای عراقی به محاصره درآمدند و بخشی از نیروهای پیشتاز ما موفق شدند به مرز برسند.

طبق اطلاعیه مسئولین نظامی تلفات دشمن در این حمله یک گردان تانک، ۴ گردان نیروی مخصوص، ۱۰۰۰ کشته و ۲۰۰ اسیر بوده است. طلوع درخشان پیروزی در جبهه غرب بار دیگر نشان داد که نه مباران های وحشیانه صدامی در مناطق سکونی اهواز، درفول، آبادان، ایلام و نه چنگ و دندان نشان دادن امپریالیسم تجاوزگر در عملیات "ستاره درخشان" و مانور مشترک دریایی در عمان و نه بمب گذاری ها و ترورهای مزدوران داخلی شان هیچکدام نمی توانند از تابش خورشید پرفروغ انقلاب مردمی که نوجوانان ۱۲ ساله اش در جبهه ها حماسه می آفرینند جلوگیری کنند.

انقلاب صدامیالیستی و سردمی ما در ادامه خود با طلوع فجر "هائش افول ستاره درخشان امپریالیسم را نوید می دهد.

فدائیان خلق (اکثریت):

سپاه پاسداران را به سلاح های سنگین مجهز کنید

اولین گردان زرهی سپاه پاسداران

با تانکهای عراقی به غنیمت گرفته

شده تشکیل شد

به دنبال فتح بستان و پیروزی های اخیر در جبهه های جنوب و جنوب غربی کشور، محسن رضایی فرمانده سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در گفتگویی با خبرنگار خبرگزاری پارس در مورد چگونگی عملیات سپاه گفت:

" سپاه پاسداران انقلاب اسلامی با استفاده از تانکهای به غنیمت گرفته شده اقدام به تشکیل گردان های زرهی کرده است که یکی از این گردان ها برای اولین بار در جنگ بستان به صورت بسیار موفقیت آمیز وارد عمل شد"

سازمان ما، نخستین سازمان سیاسی بود که در سطح گسترده کشوری، از تجهیز سپاه پاسداران به سلاح های سنگین دفاع کرد و خواستار آن شد که سپاه پاسداران به سلاح های سنگین مجهز شوند.

ضرورت تجهیز سپاه پاسداران به سلاح های سنگین که از نخستین روزهای جنگ تحمیلی امریکایی - صدامی عنوان گردید به منظور تقویت بنیه دفاع ملی در برابر خطر تجاوز و توطئه از سوی دشمنان انقلاب مردم ایران بود.

تجاوز امریکایی - صدامی بدون تردید پایان تجاوزات نظامی امپریالیستی علیه جمهوری اسلامی ایران نیست. امپریالیسم آمریکا و رژیم های ارتجاعی منطقه خود را برای وارد آوردن ضربات نظامی تازه ای به جمهوری اسلامی ایران آماده می کنند.

امریکا پایگاه های نظامی خود را پیرامون میهنمان گسترش می دهد. در ترکیه پاکستان عربستان سعودی، عمان پایگاه های نظامی

تازه ای بوجود آورده است ارتش آمریکا نیروی ضربتی واکش سریع را برای ورود به عمل با تمرین های مداوم آماده و آماده تر کرده است و هم پیمانان اروپایی امپریالیسم آمریکا در ناتو تعهدات معینی در این زمینه برعهده گرفته اند.

اسرائیل، تبهکاری های خود را در کشورهای عربی هر روز تشدید می کند و رژیم های دست نشانده و ارتجاعی مصر و سودان و اردن و عربستان و عمان وارد بندو بست های خطرناکی با امپریالیسم و صهیونیسم شده اند.

بدون تردید جمهوری اسلامی ایران یکی از نخستین امپریالیسم است و برای اینکه در برابر توطئه های نظامی امپریالیستی بتواند از خود دفاع کند به ارتشی نیرومند، انقلابی و مردمی نیاز دارد. نیروهای مسلح کشور به منظور دفاع در برابر هرگونه تجاوز باید هم از لحاظ کمی و هم از لحاظ کیفی آماده گردند.

به دلایل فوق بود که در بیانیه مشترک حزب توده ایران و سازمان ما، گفتیم و تاکید کردیم که:

" در امر سازماندهی دفاع ملی، تقویت همه جانبه سپاه پاسداران از لحاظ آموزش، تجهیزات و تسلیحات امروزی سبک و سنگین، اهمیت فراوانی دارد. باید این سپاه بیش از پیش نیرو گرفته و جای شایسته خود را در دفاع از انقلاب احراز کند"

ما از تشکیل نخستین گردان های زرهی سپاه پاسداران استقبال می کنیم، و بر تجهیز این نیروی مردمی به سلاح های سنگین بار دیگر تاکید می ورزیم.



امپریالیسم جهانی و ضدانقلاب داخلی که بسرکردگی امریکای جنایتکار - تشنات ورشکسته و نافرمانی چون جنگ تحمیلی تحریم و محاصره اقتصادی ، تروریسم سیاسی و اقتصادی و هزاران ترغیب و دسیسه دیگر درصند تا انقلاب و جمهوری اسلامی ایران را درهم شکنند ، بدون تردید از هرگونه وقفه و اخلال در روند تولید و هر نارضایتی و اعتراض نیز علیه جمهوری اسلامی استقبال می کنند تا از آن حربهای متضمن مقصود خویش سازند . دشمنان انقلاب نیک می دانند که فشار کمزکن اقتصادی و تضعیف روزافزون قدرت خرید کارگران و زحمتکش می تواند زمینه مناسبی برای رضایی های روزمره آنان باشد به ویژه آنکه اگر این یا آن اقدام و سیاست شائبه و ناسنجیده از جانب مسئولین دولتی مزید بر علت شود . قدر مسلم آن است که کارگران انقلابی میهن ما بخوبی و بیش از هر نیروی انقلابی دیگری دریافته اند که مبارزه برای تعمیق انقلاب ، امروز با ضرورت تداوم و افزایش تولید و مبارزه برای تأمین خودکفایی و استقلال اقتصادی عجین است . کارگران انقلابی میهن ما به ویژه در مبارزات سه ساله اخیرشان علیه سرمایه داران و مدیران ضدانقلابی و اخلالگر نشان داده اند که پیگیرترین و گذشتناپذیرترین افشارگان اخلالگری در تولیداند . و طبعاً در چنین شرایطی اعتصاب ، کم کاری ، وقفه و اخلال در نظم و تولید اساساً نمی تواند شعار کارگران ما باشد . یا تاکید بر این حقیقت است که بررسی انگیزه های اعتصاب افشار ایران ناسیونال و افشای محرکین اصلی تشدید اعتصاب را ضروری می دانیم .

ابزاری است در دست سرمایه داران برای استثمار بیشتر کارگران و پائین نگه داشتن دستمزد واقعی شان سرمایه داران که به هنگام کمبود تقاضا برای کالاهای بنجل خود ، بخشی از آن را به عنوان " مزایای " کار به کارگران تحمیل می کنند هنگام افزایش تقاضا و بالا رفتن قیمت کار از این وسیله برای پاید کردن کارگران به " امکانات و مزایا " و ایجاد گرایشات واسطه گری در آنها سود می جویند .

است که با جایگزینی شکل مناسبتری از دستمزد همراه باشد و یا تمهیداتی فراهم آید که حتی المقدور از تضعیف قدرت خرید کارگران جلوگیری نماید . این تمهیدات در شرایط بحرانی کنونی می تواند اتخاذ و اعمال سیاست های انقلابی جهت توزیع عادلانه کالاهای ضروری ، تقویت تعاونی های مصرف کارخانجات ، کاهش و مهار قیمت های تورمی و نظایر آن در تشدید تشنجات اخیر

شوه برخورد ناسالی که در بیش می گیرد . حل این مسئله را دشوارتر می سازد . وزیر کار در مصاحبه تلویزیونی (۱۴ آذرماه) اظهار می دارد که :

ما سال گذشته به هر کارگر این کارخانه ۷۰ هزار تومان از جیب ملت - پرداختیم (۳۰ هزار تومان ضرر سرانه کارخانه و ۳۰ هزار تومان به عنوان ارزش سهمیه تولید هر کارگر در این سال ، دولت

" حیات یک ملت مرهون کار و کارگر است " نه این گفته که " کارگر از جیب ملت می خورد " متأسفانه اینگونه شیوه های برخورد ، تأثیر موضع گیری های درست را نیز مخدوش می کند و زمینه مناسبی برای تحریکات توطئه گرانه ضدانقلابیون فراهم می آورد . این یک مشکل جدی و یک ضعف اساسی است که چنانچه رفع نگردد همواره می تواند به ابزار دست دشمنان انقلاب بدل شود . بر چنین زمینه هایی بود که در پاره های از واحدهای ایسران ناسیونال اعتصاب شکل گرفت اما با این همه در هفته گذشته کارگران مبارز ایران ناسیونال در پرتو روشنگری های مسئولان پیشروان خود و به پشتوانه تجارب انقلابی خویش موفق شدند تحریکات توطئه آمیز عناصر ضدانقلابی و فرصت طلب را - که خواهان تشدید دامنه اعتصاب بودند - نقش بر آب کنند . این امر بار دیگر و بیش از پیش ضرورت تقویت و تحکیم شورای کارخانه را برای پاسخگویی به حوایج انقلابی کارگران و بی اثر کردن اخلالگری های ضدانقلابیون به ثبوت رسانده است

وزارت کار به خواست های برحق کارگران بی اعتناست

کارگران ایران ناسیونال با هرگونه اخلال در تولید مخالفتند

مجموعاً ۶۰ میلیارد ریال ضرر صنایع داده است و . . . به این ترتیب بزعم وزیر کار " مقصر کارگراند " (که از جیب ملت می خورد ") و البته در این میان بی برنامه گی و ندانم کاری مسئولان کارشناسی های مکرر مدیران ضدانقلابی و لیبرال و عناصر حجتیه ای و امثالهم و حتی قراردادهای اسارت باری مشابه قرارداد تالوت نیز فراموش می شوند ! روشن است که این شیوه

ایران ناسیونال علاوه بر تأثیرات سوء شیوه شتاب زده می توان نقش تحریکات پنهانی برخی عناصر مشکوک (و ظاهراً اسلامی) درون کارخانه را توضیح دید . تاخفانه به علت فقدان سدیکی ای واقعی (که بیانگر خواست های انقلابی کارگران باشد) و مشخص تر بگویم به واسطه ضعف شورای اسلامی کارگران این کارخانه از یک طرف و برخورد های غیرمسئولانه برخی مسئولین دولتی از طرف دیگر ، در مقاطع بحرانی ، امکانات و زمینه های مناسبی جهت سازمانگری های توطئه گرانه عناصر لیبرال ، حجتیه ای و . . . بوجود آورده و می آورد . این دو نقطه ضعف موجب می شود که امپریالیسم و ضدانقلاب داخلی تا حدی موفق شوند کارگران را " تشنج طلب " و " مخالف " جمهوری اسلامی بنمایانند و راه را برای توجیه موضع گیری های خودسرانه برخی مسئولین دولتی علیه کارگران هموار سازند . متأسفانه وزیر کار و امور اجتماعی در رابطه با مشکل سهمیه ها ، برخورد مسئولان ای نداشته است او علیرغم آنکه بدستی بر ضرورت لغو سهمیه ها تاکید می کند ، اما با

رژیم منفور و ضدکارگری شاه هم در همین رابطه بود که از ۵۳ سال در کارخانجاتی نظیر ایران ناسیونال سهمیه های در اختیار کارگران قرار می داد که طبق آن کارگران هر دو سال یک بار بطور خارج از نوبت می توانستند یک دستگاه اتوموبیل به قیمت تمام شده آن خریداری نمایند . روشن است که اینگونه " مزایا " نیز همانند سود ویژه تنها جز ناچیزی از غارت دستمزد کارگران و بخشی از دستمزد پرداخت شده آنان بود . و منطقاً باید اینگونه " مزایا " به عنوان اجزایی از دستمزد حقیقی محسوب شده و بخودی خود از حالت دریافتی های جداگانه خارج می شدند .

تاریخ توارس مکران وطن است
در دست شگفته تو صد با چمن است
گلخند بلند روز پیروزی تو
زیبائی گسترده فردای من است

پرتوان باد جنبش طبقه کارگر

پیشتاز مبارزات ضد امپریالیستی - دمکراتیک خلقهای ایران

اخبار روستائی

کرمانشاهان:

گزارشی از گرد همایی روستائیان زحمتکش صحنه

به دعوت ارگان‌های انقلابی دومین گرد همایی دهقانان زحمتکش منطقه صحنه در تاریخ اول آبان ماه ۶۰ با شرکت حدود هزار نفر از زحمتکشان روستائی برگزار شد. گرد همایی با شعارهای ضد امپریالیستی و ضد فئودالی آغاز شد. سپس سرپرست هیات هفت نفره استان کرمانشاهان آقای صحرایی ضمن سخنرانی خود بر مبارزه پیگیرانه علیه فئودال‌ها و لزوم کشت جمعی توسط دهقانان تاکید ورزید و همچنین به افزایش چشمگیر میزان محصولات کشاورزی در سطح منطقه و لزوم آبی کردن مزارع دیم و ضرورت کمک‌های موثر نظیر بذر، کود، آب، سم و ماشین‌آلات و غیره اشاره جانب ارگان‌های دولتی اشاره کرد پس از آن فرمانده سپاه ضمن حمله به دولت موقت و حمایت این دولت از بزرگ زمینداران، از حرکت زحمتکشان روستا پشتیبانی کرد و گفت سپاه به عنوان بازوی مسلح انقلاب از مبارزه علیه استعمار و استثمار مالکین، سرمایه‌داران بزرگ و ضد انقلابیون بسرکردگی آمریکا پشتیبانی می‌کند و خود را حامی شما می‌داند پاسداری از انقلاب یعنی پاسداری از شما"

در این گرد همایی همچنین یکی از اعضا جهاد سازندگی منطقه و سرپرست شرکت‌های تعاونی صحنه سخنرانی کردند و طی سخنرانی خود به پشتیبانی نهادهای انقلابی از مستضعفین اشاره نمودند. در آخر یکی از روستائیان زحمتکش ضمن افشای توطئه‌های مالکین و فئودال‌ها گفت "ما از هیات تقسیم ارضی و دولت جمهوری اسلامی ایران

می‌خواهیم که شر مالکین را از سر ما کوتاه کنند و به داد ما برسند. ما خواهان اجرای طرح اصلاحات ارضی و بنسج می‌باشیم

ج" می‌باشیم

در پایان این گرد همایی قطعنامه‌ای مشتمل بر یازده ماده فرائض گردید که در آن از جمله به موارد زیر اشاره شد اجرای کامل قانون اساسی توسط مسئولین، پشتیبانی کامل از ارگان‌های انقلابی، اجرای کامل اصلاحات ارضی خلع ید کامل از فئودال‌های منطقه، برسمیت شناخته شدن شوراهای روستائی و اعطاء قدرت تصمیم‌گیری به آنها، تشکیل تعاونی‌های تولید و مصرف و همچنین ایجاد مراکز خدمات روستائی در جهت تامین منافع مستضعفین برای افزایش بهره‌وری و افزایش تولید که موجب قطع وابستگی از کشورهای امپریالیستی گردد. محکوم نمودن اعمال تروریستی و اعلام آمادگی برای نبرد با متجاوزین صدامی.

سیستان و بلوچستان

زابل - تجدید سازمان

شوراهای اسلامی روستائی

سیستان در جهت اهداف

انقلاب

تحکیم و تقویت شوراهای روستائی یکی از اهداف اساسی انقلاب برای پیشرفت و ترقی اجتماعی در روستاهای میهن ماست و دهقانان را در امر ارتقاء رفاه اجتماعی و فردی و بهبود تولید، مستقیماً شرکت می‌دهد و حرکت در این جهت را تضمین می‌کند. به دهقانان می‌آموزد که چگونه عقاید و نظرات یکدیگر را محترم شمارند و از این نظرات در جهت پیشرفت و ترقی اجتماعی استفاده کنند آنها را نسبت به آنچه در جامعه

می‌گذرد دلسوز می‌کند و آموزش می‌دهد که پیشرفت انقلاب را امر خویش شمارند در اعلامیه مشترک حزب توده ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) بر این موضوع تاکید شده است این اعلامیه لزوم کمک دولت به ایجاد شوراهای ده در کلیه روستاها و دادن اختیارات و امکانات مالی و قانونی به آنها و تبدیل آنها به ارگان‌های فعال و موثر قدرت دولتی در روستا را تصریح می‌کند.

خوشبختانه مسئولان امور در مناطق مختلف نیز این ضرورت را احساس نمودند که شوراهای روستائی نباید صرفاً به عنوان یک اسم باقی بمانند، بلکه باید در جهت نیل به اهداف فوق‌الذکر حرکت کنند. در این میان یک نمونه جالب، اقدام موثر ارگان‌های مسئول زابل است این ارگان‌ها تصمیم گرفته‌اند که به منظور تامین نیازهای مردم روستا شوراهای اسلامی را که سابقاً بوجود آمده بودند و از ترکیب غیرانقلابی و غیرفعال برخوردار بودند منحل کنند و به جای آن شوراهایی با ترکیب انقلابی که هدف خویش را حرکت در جهت اهداف انقلاب بشمارند ایجاد نمایند. به گفته یکی از مسئولان اصلی، این شوراهای از قدرت قانونی برخوردار بوده و تمام امور روستائیان به آنان سپرده خواهد شد.

با این حال تاکنون فقط در بخش شهرکی - ناروئی شوراهای روستائی تجدید سازمان شده‌اند. این اقدامی است بجا و شایسته و مورد پشتیبانی روستائیان زحمتکش این اقدام باید در سطح کل استان به اجرا گذاشته شود. در این جهت لازم است که در تجدید سازمان شوراهای به نکات زیر توجه کافی مبذول گردد:

— برای انتخابات در شوراهای باید معیارهایی بکار گرفته شوند که از انحرافات سابق برحذر باشند. تجربه تشکیل شوراهای اسلامی سابق در سیستان و بلوچستان آموخته است که اگر معیارهایی منطبق با موازین دموکراتیک و انقلابی برای انتخابات بکار گرفته نشوند

با توجه به نفوذ عشرت‌سی خوانین بار دیگر افرادی انتخاب خواهند شد که حرف مردم زحمتکش روستا را درک نکرده و با اهداف انقلاب آشنایی نداشته و نمی‌توانند شوراهای را از مضمون واقعی خود برخوردار کنند این معیار باید چنین باشد:

- ۱ - از زمینداران بزرگ و ایسادی آنها نباشند.
- ۲ - مدافع پیگیر اصلاحات ارضی به نفع دهقانان بی‌زمین و کم‌زمین باشند.
- ۳ - معتقد به انقلاب و جمهوری اسلامی باشند.
- ۴ - از مسئولین انجمن‌های طاغوتی گذشته و خانه‌های انصاف و غیره نباشند.

— انتخابات باید در محیطی کاملاً دوستانه و دموکراتیک برگزار گردد و از هرگونه اعمال‌نظر و نفوذ جلوگیری به عمل آید.

— دولت باید یک طرح عمومی و کلی برای حدود و وظایف شوراهای روستائی در نظر بگیرد تا حرکت شوراهای روستائی جنبه‌ای قانونی به خود بگیرد. لازم به تذکر است که این طرح باید با مشارکت و همفکری نمایندگان روستائیان تهیه شود.

خوزستان

جوو علوفه مورد نیاز

دامداران را تامین کنید

همساله از نیمه دوم شهریور ماه دامداران ایلات تهرک و بویراحمدی از استان‌های اصفهان، فارس و بویراحمد به مناطق جنوبی کوچ می‌کنند این دامداران عمدتاً در مناطق جنوبی و جنوب غربی شهرستان گچساران سکنی می‌گزینند.

دامداران فوق و همچنین دامداران بومی به علت سطح نازل بارندگی در سال گذشته و کمبود مراتع مورد نیاز نگران فرارسیدن زمستان هستند. در سال گذشته به دلیل اقدام به موقع اداره دامپزشکی و جهاد سازندگی شهرستان گچساران علوفه و

جو مورد نیاز دامداران تهیه و در اختیار آنها قرار گرفت لیکن اسامال علیرغم تلاش‌هایی که در این جهت صورت گرفته تاکنون جو و علوفه مورد نیاز به انبارهای گچساران تحویل نشده است با توجه به فرارسیدن فصل زمستان نظر مسئولین و بالاخص ارگان‌های انقلابی جهاد سازندگی را جهت تامین جو و علوفه مورد نیاز دامداران زحمتکش منطقه جلب می‌نمایم. بالطبع اقدام موثری در این جهت موجب دلگرمی دامداران زحمتکش و جلب آنان به حمایت هرچه بیشتر از دستاوردهای انقلاب خواهد شد.

گردد:

درکشت شورایی همه

دهقانان زحمتکش زمین‌غند

* - هیات هفت نفری واگذاری زمین در منطقه اخیراً اعلام نموده که فقط به کسانی زمین داده خواهد شد که دارای هیچگونه منبع درآمد دیگری نباشند و یا به افرادی که متاهل باشند زمین داده خواهد شد که این مسائل نگرانی‌هایی را در روستای حریر بوجود آورده بود. هرچند این نگرانی‌ها با بحث و برخورد وحدت‌طلبانه زحمتکشان برطرف گردید، اما روستائیان می‌گویند با این موضوع گیری‌ها امکان بروز اختلافاتی در میان آنها می‌رود که هیات باید با آن برخوردی جدی بنماید

* - روند تثبیت و گسترش انقلاب می‌رود تا باور و اعتماد زحمتکشان روستا را به شکل و مبارزه خود برای ریشه‌کن ساختن دست فئودال‌ها و زمینداران بزرگ بارورتر سازد. اخیراً در روستای حریر تعدادی از خوش‌نشینان که در دو سال گذشته در مبارزات زحمتکشان شرکت نداشتند، جهنت شرکت در این مبارزات و در کشت شورایی قدم پیش بقیه در صفحه ۸

زمین از آن کسانی است که روی آن کار می‌کنند

بقیه از صفحه ۷

اخبار روستائی...

کذاشته که گرچه این حرکت با مخالفت سایر زحمتکشان روبرو شد ، اما هیات با قانع کردن آنها به این خوش‌نشینان نیز زمین داده و آنها را در کشت شوری شریک ساخت .

حتی به جای کسانی که برای جنگ بامتجاوزین صدامی رفته اند نیز خواهیم کاشت

* - روستای نوروزآباد از توابع گرمسرد با ۶۵ نوار جمعیت در ۴۵ کیلومتری جنوب شرقی میانه واقع است . دهقانان زحمتکش این روستا در هفته‌های اخیر درگیر مبارزه‌ای حق‌طلبانه با فئودالهای معروف این روستا بودند چرا که طی سالها پیش از انقلاب رابطهای ظالمانه بین این دهقانان و خوانین وجود داشت که بر اساس آن فئودالها زمین باری را با بهره مالکانه ۲۵٪ درآمد در سال به دهقانان واگذار می‌کردند ، ولی بمحض آباد شدن زمین آن را غصب و زمین بایر دیگری را واگذار می‌کردند . اما دهقانان در سال گذشته با حمایت هیات هفت نفره این سنت ناعادلانه را شکسته و از پرداخت بهره مالکانه و دداری کردند . مبارزه این زحمتکشان بدنبال شکایت فئودالها و تلاش بعضی از مسئولین برای فیصله‌دادن ساله به نفع فئودالها بعد تازه‌ای یافت که به دنبال آن ۱۱ تن از دهقانان به جرم " عاملین تحریک " دستگیر شدند . روز ۲۸ مهر به دنبال تظاهرات ضد- فئودالی این دهقانان در میانه این ۱۱ نفر با همکاری سپاه پاسداران انقلاب اسلامی آزاد گردیدند . هم‌اکنون زحمتکشان روستا پس از کسب این پیروزی‌ها با وحدتی هرچه مستحکم‌تر اعلام می‌دارند که مسامحه‌ناپذیرانه تصمیم گرفته‌ایم زمین‌های بیشتری را کشت کنیم ، حتی بجای کسانی که به سربازی برای جنگ با متجاوزین صدامی رفته‌اند نیز خواهیم کاشت " و بدین ترتیب در سنگری دیگر ، سنگر کار و تولید به مبارزه علیه امپریالیسم آمریکا و رژیم

گزارشی از روستاهای نظنز

کند و حاصل کارشان به دیگری تعلق گیرد . روی این اصل ایجاد تعاونی‌های تهیه و توزیع مواد اولیه بسیاری قالی‌بافان حاضر اهمیت بسیاری است . زیرا بخشی از درآمد خانواده‌های روستایی را تولید قالی تامین می‌نماید . در روستای طرق کمتر خانه‌ای است که دارای یک دستگاه قالی‌بافی نباشد در روستای خالدآباد ۴۸۰ دستگاه قالی‌بافی وجود دارد ، در طامه نیز ۲۵۰ دستگاه قالی‌بافی موجود است در روستاهای دیگر نیز وضع به همین منوال است روی این اصل ضرورت اقدامی اصولی از طرف ارگان‌های انقلابی بخصوص جهاد برای تامین نیازهای قالی‌بافان که اکثر آنها دهقانان زحمتکش و خانواده آنهاست ضروری به نظر می‌رسد . در این زمینه خواست زحمتکشان قالی‌باف ایجاد تعاونی‌های تهیه و توزیع مواد اولیه مورد نیاز این صنعت است .

از دیگر نیازهای روستائیان روستاهای نظنز تامین سوخت جهت انجام امور زراعی است در فصل کاشت کمبود سوخت یکی از مشکلات جدی دهقانان زحمتکش این منطقه است که نهادهای انقلابی باید به آن توجه داشته باشند . همچنین ایجاد و مرمت راههای روستایی ، ساختن مدرسه و حمام بهداشتی که اکثر دهات اطراف نظنز به آن نیاز جدی دارند از مشکلات و خواست‌های توده‌های زحمتکش این منطقه می‌باشد .

خاکی بر روی رودخانه‌ها ، و بطور کلی بی‌توجهی به مساله آب و آبیاری از عواملی است که بنوبه‌خود سبب کمی آب برای زراعت و باغداری شده است . علیرغم فعالیت‌های موثر جهادسازندگی و دیگر نهادهای انقلابی در جهت تامین آب زراعی برای روستائیان به دلیل بالای بودن نیاز اهالی به آب زراعی اقداماتی بمراتب هم‌جانبه‌تر و گسترده‌تری ضروری است . مرغداری بخشی از فعالیت غیرکشاورزی است که در برخی از روستاهای اطراف نظنز رواج دارد ، این مرغداری‌ها که بعضا بعداز انقلاب و متناسب با نیازهای مردم به گوشت سفید ایجاد شده‌اند با مشکلاتی در زمینه تدارک جوجه و دانه مواجه هستند . در صورتی که به میزان کافی نیازهای آنها توسط جهاد تامین گردد نقش موثری در تامین نیازهای منطقه خواهد داشت .

قالی‌بافی نیز در روستاهای منطقه متداول است و از عمده فعالیت‌های غیرکشاورزی روستائیان می‌باشد . در روستاها معمولاً در هر خانه یک دستگاه قالی‌بافی وجود دارد در بیشتر روستاها خانواده‌های روستایی خود صاحب دستگاه‌های قالی‌بافی نیستند و اکثراً مزدبگیرند . مشکل تهیه مواد اولیه ، خامه و رنگ و نخ از عواملی است که باعث می‌شود روستائیان خود قادر به تامین آن نبوده و اکثر دارهای قالی‌تعلق به دیگران بوده و آنها در مقابل کار خویش مزد ناچیز دریافت

نظنز یکی از شهرستان‌های استان اصفهان است که جمعیت آن ۲۷/۹۹۹ نفر و شامل یک بخش و چهار دهستان به نام‌های طرق‌رود ، بن‌رود ، چیمه‌رود ، و بادرود است . شرق این شهرستان را کویر احاطه کرده و در جوار آن شهرهای گاغان ، قصر ، میمه و اردستان قرار گرفته‌اند . یکی از ویژگی‌های برجسته روستاهای وابسته به نظنز که در وهله نخست نیز جلب توجه می‌کند این است که نحوه مالکیت بر اراضی زراعی عموماً بصورت خرده‌مالکی است بطور کلی اراضی زراعی دایر دارای گستردگی و وسعت لازم نیستند و در اطراف روستاها نیز معمولاً اراضی بایر و موات وجود دارند . اهالی روستاها بطور عمده به کشاورزی و باغداری اشتغال دارند و در بسیاری از روستاها تولید فراورده‌های کشاورزی و باغداری توأم بر روی یک زمین صورت می‌گیرد . بدین نحو که از فواصل موجود درختان میوه و جهت تولید محصولات کشاورزی استفاده می‌شود . آب زراعی روستاهای اطراف نظنز عموماً از طریق قنات و چاه تامین می‌شود در برخی مناطق از آب رودخانه که از کنار روستا می‌گذرد ، استفاده می‌کنند . آب زراعی موجود در روستاهای نظنز پاسخگوی نیاز کشاورزان نیست و این خود به دلیل عدم کفایت چاه‌های آب و قنات می‌باشد . بی‌توجهی به لایروبی و مرمت قنات و چاه‌ها در سالهای اخیر ، فقدان آب‌بندها و عدم ایجاد سد های

داخلی‌اش فئودال‌ها و زمینداران بزرگ می‌باشد . نور : اجرای بندج و درخواست مشترک دهقانان زحمتکش سراسر کشور

تجاوزگر صدام مبارزه خود را ادامه می‌دهند . * - زحمتکشان روستایی کسب تکلیف و روشن‌نمودن وضع زمین‌های مالکین مقصود و محسوس بنی‌صدر نمایندگانی خود را به استانداری همدان و بخشداری کیوتراهنسنگ می‌فرستند که از طرف مقامات مسئول به نمایندگانی آنها گفته می‌شود " این زمین‌ها متعلق به شماست حتی اگر هم‌شما را بکشند و فقط یک نفر بماند باید این زمین‌ها را پس بگیرید " بر همین اساس و نیز وحدت‌نظر و تصمیم قاطعی که روستائیان برای مصادره زمین‌ها داشتند هنگامی که مالکین مزبور با تراکتور جهت شخم زمین‌ها به روستا می‌آیند آنها را دستگیر کرده و جریان را به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی گل‌تپه و بخشداری اطلاع می‌دهند که بلافاصله سپاه و بخشدار در محل حاضر شده فئودالها را تحویل می‌گیرند پاسداران کل‌تپه خطاب به زحمتکشان می‌گویند " همانگونه که اصمام گفتند ما نه طرفدار سرمایه‌دار هستیم و نه طرفدار فئودالها ما طرفدار مستضعفین هستیم . همدان :

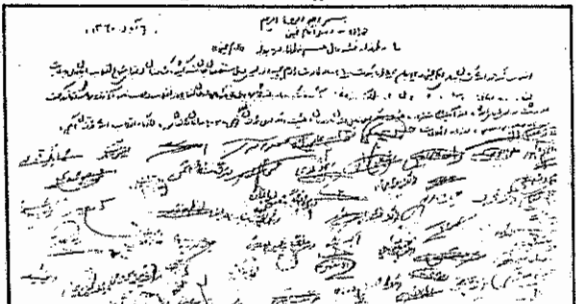
دهقانان متحد با همکاری ارگان‌های انقلابی ، زمین‌ها را از بزرگ مالکین پس می‌گیرند

* - در منطقه چهاردولی همدان که دارای ۲۷ پارچه آبادی است ، جهت تامین نگاه ماشین‌آلات کشاورزی و تعیین محل آن گردهمایی‌ای با شرکت کلیه روستاها تشکیل می‌شود که پس از بحث پیرامون اهمیت مساله و شور و مشورت در مورد محل آن به اتفاق ، تصمیم می‌گیرند که آن را در روستای پیرقلو ایجاد نمایند .

* - در روستای حسن‌آباد از توابع همدان زحمتکشان کم‌زمین و بی‌زمین روستا با یگانگی و اتحاد عمل خود به تقسیم زمین‌های بزرگ مالکان بین خویش پرداختند . این حرکت نشانه درک زحمتکشان روستا از درک ضرورت وحدت همه نیروها در مبارزه علیه امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم آمریکا و متحدین

کارشان را کرده‌اند ، حالا شما باید به این مستضعفان خدمت بکنید " خواستار رسیدگی به مشکلات خود و اجرای بندج و د قانون اصلاحات ارضی گردیدند که در زیر کلیشه این طومار را ملاحظه می‌کنید

دفتر اصمام خمینی ، مجلس شورای اسلامی ، دفتر آیت‌الله منتظری و ارگان‌های انقلابی منطقه با برشمردن توطئه‌های رنگارنگ فئودالها علیه خود و با استناد به این گفته امام که " ما دیگر هیچ عذری نداریم ، مردم



در ادامه اعلام خواست‌های توده‌های میلیونی کشورمینی بر اجرای بندهای ج و د قانون اصلاحات ارضی ، دهقانان زحمتکش روستای جلیکبان سفلی از توابع شهرستان نسور استان مازندران نیز طی ارسال طوماری برای

لهستان

سوسیالیستی باقی می ماند

در پی حرکات گسترده ضدانقلابی و ضدسوسیالیستی اتحادیه معروف به همبستگی جهت نابودی لهستان سوسیالیستی، یک شورای نظامی نجات ملی تشکیل و در سراسر لهستان حکومت نظامی اعلام گردید.

اکنون ماهیاست که اوضاع بحرانی لهستان در صدر اخبار خبرگزاری های جهان قرار دارد. امپریالیسم آمریکا و سایر متحدینش در ناتو از همان آغاز با حمایت همه جانبه از رهبران ضدانقلابی اتحادیه موسوم به همبستگی کوشیدند از امکان توافق میان دولت و اتحادیه های کارگری لهستان جلوگیری نموده و با دامپن زدن به تشنج و درگیری های خونت آمیز از بحران لهستان جهت پیشبرد سیاست جنگ و استقرار سلاح های دوربرد هسته ای در اروپا استفاده نمایند. علاوه بر این روشن است که امپریالیست ها و نیروهای ضدانقلابی در لهستان هدف نابودی لهستان سوسیالیستی را با سماجت تمام دنبال می کنند.

در یکی دو ماه اخیر دولت لهستان بسیار کوشید تا از طریق مذاکره با اتحادیه های کارگری، کشور را از سقوط به دامن ارتجاع بین المللی نجات بخشد. اما آن دسته از رهبران خائن و ضدانقلابی اتحادیه موسوم به همبستگی که با امپریالیسم بر سر نابودی لهستان پیمان بسته اند، نه تنها از حصول توافق جلوگیری نموده، بلکه بطور علنی و آشکار اعلام کردند که برای مقابله با دولت سوسیالیستی به

روپارویی نظامی دست خواهند زد. چنین اعمال کیمتورانه ای سرانجام دولت و حزب متحد کارگران لهستان را واداشت تا به خاطر دفاع از دستاوردهای سوسیالیسم در لهستان با تشکیل شورای نظامی نجات

ملی به اقدام جدی جهت سرکوب ضدانقلابیون دست زند.

هم اکنون امپریالیسم آمریکا و متحدینش در اروپا تلاش دارند با مداخله روزافزون در امور داخلی لهستان از پیروزی قطعی دولت به نیروهای ضدانقلابی جلوگیری نمایند. ولی ما ایمان داریم که چنین تلاش های مذبحخانه ای با شکست قطعی مواجه و دولت لهستان با پیروزی بر مشکلات موجود، سوسیالیستی باقی خواهد ماند.

ژنرال یساروزلسکی نخست وزیر و وزیر دفاع ملی ضمن اعلام خبر تشکیل شورای نظامی نجات ملی در لهستان، طی پیامی از رادیو خطاب به مردم لهستان اظهار داشت:

" در برابر هرج و مرجی که کشور را تهدید می کند و بیانات فاقد مسئولیت نیروهای تندرو همبستگی که آشکارا تلاش می کنند زمام حکومت را در دست گیرند طبق فرمان شورا دولت جمهوری خلق لهستان مورخ ۱۲ دسامبر حکومت نظامی در کشور اعلام می شود

یساروزلسکی خاطرنشان کرد که قبل از آنکه ماجراجویان، میهن را به ورطه جنگ برادرکشی سوق دهند باید دست آنها را از پشت بست. شورای نظامی نجات ملی تشکیل شده و کمیسره های نظامی مسئولی که به آنها حق کنترل بر فعالیت ارگان های دولتی داده شده تعیین شده است. این کمیسره های نظامی حق دارند بر طبق مقررات انضباطی اشخاصی را که وظایف خود را انجام نمی دهند، از کار برکنار کنند. شورای نظامی نجات ملی جای ارگان های حکومتی قانونی را نمی گیرد و یگانه هدف آن حفظ نظم قانونی در کشور و ایجاد تضمیناتی

است که امکان می دهد نظم و آرامش و انضباط در کشور برقرار گردد. این راهی است برای خروج کشور از بحران و نجات کشور از هم پاشیدگی یاروزلسکی سپس گفت:

" تصمیم گرفته شد رهبران تندرو اتحادیه همبستگی و همچنین اعضای سازمان های غیرقانونی و ضدسوسیالیستی ایزوله شوند. گروهی از افراد که مقرر بوجود آمدن بحران سیاسی و اجتماعی و بحران اقتصادی در کشور هستند ایزوله شدند

یساروزلسکی سپس گفت:

" شورای نظامی شرایط لازم را برای مبارزه آشتی ناپذیر با تبهکاری و جنایت تامین خواهد کرد اعمال گروه های جنایتکار بیدرنگ در دادگاهها مورد رسیدگی قرار خواهد گرفت اشخاصی که بطور گسترده به احتکار دست زده و درآمدهای شیرقانونی داشته اند و قوانین زندگی جامعه را پایمال کرده اند مورد بازداشت قرار گرفته و با سخت گیری و جدیت تنبیه خواهند شد "

یساروزلسکی خاطرنشان کرد که حزب و دولت بنحوی پیگیر طرفدار ایجاد جبهه توافق ملی و متحد شدن تمام نیروهای میهن پرست ملی به خاطر نجات لهستان است وی از مردم دعوت کرد که نظم و آرامش عمومی را در کشور حفظ کنند. کار و فعالیت های واحد های اقتصادی عادی شود و اعتماد مردم و احترام نسبت به ارگان های دولتی حکومت احیا گردد.

یساروزلسکی دعوت کرد که صفوف حزب که نیروی رهبری کننده جامعه بوده و بنحوی پیگیر در راه تحکیم و

ساختمان آتی سوسیالیسم در جمهوری خلق لهستان مبارزه می کند فشرده تر شود. یاروزلسکی خاطرنشان کرد که به بدتر شدن آتی مواضع بین المللی لهستان باید پایان داده شود.

رهبر لهستان خطاب به کشورهای سوسیالیستی خاطر نشان کرد که مردم لهستان برای دوستی با اتحاد شوروی و سایر کشورهای جامعه سوسیالیستی و برای کمک برادرانه آن ارزش عالی

چگونه "سیا" برای ضد انقلابیون خرابکار افغانی نقشه جغرافیایی تهیه می کند

آنچه از آغاز تجاوز امپریالیسم علیه افغانستان، دیگر بر جهانیان پوشیده نیست چندی پیش شواهد جدیدی یافت " سیا " با ضدانقلابیون افغانی همکاری نزدیک دارد، عملیات آنها را رهبری می کند و هدف های تخریبی را برای آنان مشخص می سازد. این واقعیت بار دیگر با افشای نقشه های ثابت شده از سوی سیا نقشه های توطئه آمیزی در اختیار سرکردگان سازمان های تروریستی افغانی در پاکستان قرار می گیرد. بر روی این نقشه ها نیروگاهها، کارخانه های سیمانی، پارچه بافی و تولید مواد غذایی، معادن، فرودگاهها، مدارس و بیمارستانهایی مشخص شده است که قرار است هدف عملیاتی

قائل است وی گفت اتحاد لهستان با شوروی اساس منافع دولتی و تضمین امنیت و گزندناپذیری مرزهای لهستان بوده و هست و خواهد بود. لهستان حلقه خللناپذیر پیمان ورشو و جامعه سوسیالیستی بوده و خواهد بود. یاروزلسکی اظهار داشت:

من محافل اجتماعی جهان را مخاطب قرار می دهم که اوضاع فوق العاده ای که در لهستان بوجود آمده و همچنین اقدامات و فوق العاده ای که انجام آنها ضروری بود درک شود. اقدامات ما هیچکس را تهدید نمی کند و تنها یک هدف دارد و آن برطرف کردن خطر داخلی است



یکی از افراد پلیس مردمی افغانستان که در کوهستان های این کشور علیه ضدانقلابیون می جنگد

نابودسازانه نیروهای ضد انقلابی قرار گیرد. در نقشه های " سیا " همچنین مناطق گروه های قومی گوناگون افغانستان و پشتوها، بلوچها، تاجیکها، اوزبکها، ترکمنها و غیره دیده می شود، که ظاهرا کفکی است برای انتخاب ترکیب گروه های خرابکاری، که به این مناطق اعزام می گردند. نقشه های جغرافیایی " سیا " بخشی است از توطئه گسترده و جنگ اعلام نشده امپریالیسم علیه جمهوری دموکراتیک افغانستان. حار و جنجال گوشخراش تبلیغاتی که ماهیاست درباره کمک قانونی و انقلابی اتحاد شوروی به این کشور به راه افتاده است، نمی تواند بر این واقعیت عیان برده باشد

ماجرای سرقت هواپیمای لیبیائی

ترفندی تازه برای تخریب روابط ایران با جبهه پایداری

اساسا این اقدام هم از نظر ابزاری و هم از نظر محتوی مسئلهای است که مردود از نظر ماست (نخست وزیر)

روز دوشنبه ۱۶ آذرماه یک هواپیمای بوئینگ ۷۲۷ لیبیائی که از زوریخ عازم طرابلس بود در آسمان ایتالیا توسط عناصر مسلح "سازمان شیعی اصل" ربوده شد. بهانه این هواپیماربابی ظاهرا قصه کهنه و "سیا" ساخته "ربوده شدن امام موسی صدر توسط لیبی" بود.

هواپیماریان با همین بهانه، قبل از گشایش کنفرانس آمریکایی "فاس" نیز "از شرکت کنندگان در این کنفرانس درخواست کرده بودند که رهبر انقلاب لیبی را برای آزاد کردن امام موسی صدر زیر فشار قرار دهند." اکنون پس از شکست کنفرانس آمریکایی "فاس" با ربودن هواپیمای لیبیائی تیر خود را به دو نشان می‌آراستند: درواقع این اقدام تروریستی در عین حال که از یک سو در راستای سیاست کلیسی تشنج‌آفرینی امپریالیسم آمریکا در منطقه است، از سوی دیگر ترفند تازه‌ای بود برای تخریب روابط دوستانه میان ایران انقلابی و لیبی و بطور کلی بین ایران و کشورهای عضو جبهه پایداری برای درک اهداف نفاق‌افکنانه هواپیماریان اظهارات آنها به اندازه کافی روشن‌کننده است. هواپیماریان اعلام کردند "چون مایل نیستند با دولت لیبی مطلقا مذاکره داشته باشند، دولت ایران را برای رسیدن به درخواست‌هایشان نماینده خود تلفی می‌کنند" آنها گفتند قصدشان از فرود در ایران برای آن است که: "جریان دزدیده شدن امام موسی صدر مجدداً و بطور کامل برای رهبر کبیر انقلاب اسلامی ایران، امام خمینی توضیح داده شود" و همچنین خواستار آن شدند که "هیئتی برای دنبال کردن مسئله دزدیده شدن امام موسی صدر" تشکیل شود و "اطلاعات لازم نیز در اختیار این هیئت قرار می‌گیرد".

درواقع یکی از مودیانه‌ترین و موثرترین مکردهای امپریالیسم در میدان مبارزه با جنبش‌های رهاشیش ملی، جدا کردن این جنبش‌ها از دوستان و پشتیبانانشان در جهان، به عنوان بخشی از همان سیاست کلی "تفرقه بینداز و حکومت کن" می‌باشد. این تلاش به هیچ‌وجه از ایجاد سوءتفاهم، دشمنی و عداوت میان خود جنبش‌های رهاشیش و بین آنها و دیگر حکومت‌ها و نیروهای ضدامپریالیستی فروگذار نمی‌کند. کوشش‌های امپریالیسم آمریکا و وابستگان و سرسپردگان و دوستان آن در زمینه تیره کردن روابط میان ایران انقلابی و کشور لیبی از طریق تحریف واقعیت ماجرای تأسف‌بار ناپدید شدن امام موسی صدر، رهبر شیعیان لبنان، سابقه طولانی و قدیمی دارد. این ماجرای تأسف‌بار را برای اولین بار در تاریخ ۲۶ شهریور ماه ۵۷، یعنی درست در روزهای اوج‌گیری جنبش انقلابی ایران، روزنامه صهیونیستی "آیندگان" داریوش همایون به شکل زیر تحریف نمود و نوشت:

مسلمانان، حکومت لیبی را مسئول ناپدید شدن امام موسی صدر می‌شناسند. تحریف ماجرای ناپدید شدن امام موسی صدر توسط این محافل ادامه یافت و در اجرای اوامر صاحبان اصلی خود، یعنی "سیا" "موساد" و "ساواک" هر روز این خیر ساختگی را "داغ" نگه می‌داشتند و تقریباً هر روز، مطلب یا خبری

تحریف شده و غیرواقعی در این باره انتشار می‌دادند.

در ۳۰ مهرماه، در توضیح خبری مبنی بر اینکه "محسن پزشکیور" فاشیست معروف نیز طی تلگرافی از "کورت والدهایم" درخواست کرده است که "اقدامات گسترده‌تری برای یافتن زمینه‌های توطئه ناپدید شدن امام موسی صدر" انجام گیرد آیندگان نوشت: "هرچند دولت لیبی مدعی است که امام موسی صدر در تاریخ ۲۱ اوت با یک هواپیمای ایتالیائی لیبی را به قصد رم ترک کرده است ولی مراجع مسئول ایتالیا چنین خبری را تأیید نکرده‌اند" اما این خبر نیز درست برخلاف اظهارات مقامات مسئول لیبیائی بود. به عنوان مثال ابراهیم البشاری مدیر تبلیغات خارجی لیبی، در سفر خود به تهران با ارائه پاره‌ای دلایل و مدارک قوی، شرکت دولت لیبی در این ماجرا را به شدت تکذیب کرده بود و گفته بود:

... امام موسی صدر ناگهان تصمیم گرفتند که (از لیبی) به رم سفر کنند و از آنجا نیز به پاریس بروند. به همین منظور کمیته خلق، شعبه فرودگاه بین‌المللی طرابلس سه صندوق برای ایشان و همراهان در هواپیمای خطوط ایتالیائی با شماره پرواز ۸۸۱ رزرو کردند. امام موسی صدر روز پنجشنبه ۲۱ اوت ۱۹۷۸، مصادف با ۲۸ ماه مبارک رمضان ۱۳۹۸ هجری قمری ساعت ۲۰/۱۷ دقیقه شب فرودگاه طرابلس را ترک کردند. سفیر موریتانی در لیبی نیز بطور تصادفی در فرودگاه در سالن مخصوص مهمانان با ایشان روبرو شدند. و با ایشان تماس گرفتند و وی را تا نزدیک هواپیما بدرقه کردند. بعد از آن، مقامات ایتالیا از طرف مسئولین فرودگاه رم بیانیه رسمی به ما دادند و گفتند که آقای موسی صدر و همراهان به رم رسیده‌اند.

عبدالسلام جلود نیز در دیدار با امام خمینی در این مورد بار دیگر تأکید کرد که:

"من می‌خواهم تأکید کنم تمام مدارک رابه دولت لبنان تسلیم کرده‌ایم. مبنی بر اینکه آقای موسی صدر از لیبی خارج و وارد رم شده است و دولت ایتالیا به ما ابلاغ کرده که ایشان وارد کشورش شده".

و امروز جالب توجه است که وقتی هواپیماریان از ایتالیا درخواست می‌کنند در مورد ربوده شدن امام موسی صدر اقدام کند، مقامات ایتالیائی اظهار می‌کنند که "قسمتی از پرونده مورد تقاضا در اوایل سال جاری میلادی در کاخ دادگستری رم ناپدید شده است". پس از پیروزی انقلاب، پرچم افتاده "آیندگان" را لیبیرالها برداشتند. بازرگان قطب‌زاده ویزدی و هم‌مسکانشان در همان حال

که دولت‌های دست‌نشانده آمریکا در منطقه را که با تمام قوا علیه انقلاب ایران در حال توطئه و تحریک بودند "دوست" تلقی می‌کردند، علیه کشورهای مترقی و انقلابی پشتیبان انقلاب ایران دست به افترا و دروغ‌پردازی می‌زدند. و در پاسخ تلاش‌های صادقانه کشور لیبی، برای گسترش روابط خویش با جمهوری اسلامی ایران و کمک به انقلاب ایران برای مقابله با دشمن شماره یک یعنی امریکای جنایتکار از هیچ کوششی برای ایراد تهمت و افتراء از جمله تهمست "دزدیده شدن امام موسی صدر توسط لیبی" و گشته شدن وی به دست قذافی رهبر لیبی فروگذار نکردند. و علیرغم نظر صریح امام در دیدار با عبدالسلام جلود مبنی بر اینکه: "این موضوع را که طرح کردم، برای این است که به واسطه فعالیت شما، تفاهمی بین دو دولت و دو ملت ایجاد شود و این تهمت را، که اجانب برای تفرقه‌اندازی می‌زنند، خنثی شود" و تأکید آیت‌الله منتظری مبنی بر اینکه: "مطرح کردن موضوع فوق (امام موسی صدر) جز تیره کردن روابط لیبی، با ایران و برپا کردن جنجال سیاسی (شمری) نخواهد داشت و حتماً به نفع امریکای جنایتکار تمام خواهد شد، مهندس بازرگان، سردسته لیبیرالها قاطعانه اظهار می‌داشت: "آقای جلود به هنگام مسافرتش به ایران در مورد برقراری روابط با لیبی تمنا می‌توانم با تهدید می‌نمود و اظهار می‌داشت که ایادی صهیونیسم و امریکا مانع برقراری روابط هستند من به صراحت گفتم خیر آقا اینطور نیست. مسئله خیلی روشن، مسئله امام موسی صدر است. و حتی کار به جایی کشید که صادق روحانی اظهار داشت: "نخست‌وزیر لیبی را می‌خواستیم به عنوان گروگان نگه داریم... سفر جلود نخست‌وزیر لیبی به ایران برخلاف میل ما بود و در نظر داشتیم وی را تا زمانی که لیبی امام موسی صدر را زنده یا مرده تحویل ندهد، به عنوان گروگان نگه داریم".

برای آنکه ماهیت امریکایی انتساب دزدی و قتل امام موسی صدر به مقامات لیبیائی آشکارتر شود، بد نیست قسمتی از سندی را که توسط دانشجویان مسلمان پیرو خط امام انتشار یافته نقل کنیم. این سند به روشن‌ترین صورتی علائق امریکا را در دامن زدن به این ماجرا بازگو می‌کند در این سند آمده است:

"دریافت نسخه‌ای از هرگونه گزارشی که درباره فعالیت‌های خرابکارانه لیبی در ایران که برای ارائه کردن به امیرانتظام است، باعث تشکر و قدردانی خواهد بود از آنجا که به نظر می‌رسد مسئله لیبی احتمالاً در مذاکراتی که در تهران با انتظام در پیش است، مطرح خواهد شد، دریافت نظریات معاون نخست‌وزیر در مورد مسافرت جلود به ایران و توضیحات لیبی در مورد وضعیت امام موسی صدر موجب امتنان و سپاس خواهد شد".

خوشبختانه ترفند تازه امریکا، با هشاری درخور تحسین دولت جمهوری اسلامی ایران که ناشی از تجارب تلخ دو سال و نیم پس از انقلاب بقیه در صفحه ۱۵

قلاش ارتجاعی ترین محافل جهان برای تدارک جنگ محکوم به شکست است

دولت ریگان داده است که بزرگترین جنگبازی پس از جنگ دوم جهانی را زیر عنوان "ستاره درختان" در شمال افریقا و خاورمیانه برآه بیندازد در مصر، سودان، سومالی و عمان سرباز "واکش سریع" پیاده کند و به تعزین مداخلات نظامی گسترده در خاورمیانه بپردازد؟

دولت ریگان در هفته‌های اخیر به پخش این دروغ گستاخانه در سراسر جهان میادرت ورزید که گویا قذافی "جوخه‌ای برای ترور ریگان" به ایالات متحده امریکا گسیل داشته است "دولت لیبی این شایعه "سیا" ساخته را بیدرتک و بارها تکذیب کرد و در همان حال نقشه ترور خود و سرنگونی رژیم لیبی را به دولت ریگان نسبت داد. فزون بر این، چند

هفته پیش از استعفا ی پیپول معاون عملیات سری سیا و حلات برخی از جناح‌های منتفذ هیئت حاکمه امریکا به ویلیام کیسی، رئیس "سیا" فاش شد که یهوجول نقشه‌ای گسترده چند مرحله‌ای و پر هزینه برای نابودی قذافی و سرنگونی رژیم لیبی تهیه دیده بود، که علیرغم مظلوم‌نمایی دیگران به تأیید کیسی و کاخ سفید "نیز رسید بود. خود "نیوزویک" در شماره ۱۲ مرداد ۶۰ خود هدف از این نقشه را برکناری قطعی قذافی از قدرت "توصیف کرد این هفته‌نامه در آن هنگام افزود:

"اعضای کمیسیون مجلس نمایندگان در امور جاسوسی، که نقشه‌نامه را از نظر گذراندند. معتقدند که این به معنای قتل قذافی بود"

دروغگویان " کاخ سفید" مانند همه دروغگویان دیگر ظواهرها فراموشکارند. رسانه‌های گروهی اجیر آنها در ماههای اخیر آکنده از نقشه‌های خود رسواگر براندازی رژیم لیبی بوده است. تنها به یک نمونه بسنده می‌کنیم:

نیوزویک " ۱۲ مرداد ۶۰ توسطه امریکا را علیه لیبی به "کارزارهای کلاسیک ایجاد عدم ثبات" تشبیه می‌کند که به نقل از همین بقیه در صفحه ۱۵

وزیران خارجه کشورهای "پیمان ورشو": مبرم‌ترین مساله امروز جهان قطع فوری مسابقه تسلیحاتی و گذار به خلع سلاح موثر برای پشتیبانی از تنش‌زدایی بین‌المللی است.

روزها بوضوح در تشدید کارزار شیطانی امپریالیسم ایالات متحده امریکا در برابر رژیم ضدامپریالیستی و مردمی لیبی مشاهده می‌کنیم این جنگ اعلام نشده ماهها پیش آغاز شد. "نیوزویک" در شماره ۹ شهریور ۱۳۶۰ خود نوشت:

"مصدقذافی مورد قدرتمند لیبی از هنگامی که ده سال پیش قدرت را به دست گرفت، کشور خود را بسوی رویارویی با منافع امریکا رهبری می‌کند... دولت ایالات متحده معتقد است که قذافی خطری برای همسایگان افریقای شمالی خود، صلح خاورمیانه و حتی رژیم‌های دوردست همراه غرب چگون فیلیپین، بشمار می‌رود از این روست که دولت ریگان می‌کوشد تا او را به عنوان یک نیروی سیاسی و نظامی خنثی سازد"

"نیوزویک" در یک نکته درست می‌گوید: لیبی برای تجاوزکاران و چپاولگران امریکایی، هزاران فرسنگ دور از مرزهای ایالات متحده در "شاخ آفریقا" در خلیج سدر، در خاورمیانه و در "حقی" قاتل نیست. لیبی به حق می‌یرسد:

چگونه امپریالیسم ایالات متحده به خود خق می‌دهد که جنگنده‌های "اف - ۱۴" متعلق به ناو هواپیمابر "نی قیس" خود را برای سرنگون سازی هواپیماهای گشتی خود به خلیج سدر بفرستد؟ چه کس این "حق" را به

"ناتو" وفادار به سنت‌های دیرینه این بلوک تجاوزکار امسال نیز از "تهدید شوروی" و ضرورت تحکیم قدرت نظامی غربی دم می‌زنند، در بیانیه‌ای که چند روز پیش از آن در پایان اجلاس کمیته وزیران خارجه کشورهای "پیمان ورشو" انتشار یافت گفته می‌شود:

"مبرم‌ترین مسئله امروز جهان قطع فوری مسابقه تسلیحاتی و گذار به خلع سلاح موثر برای پشتیبانی از تنش‌زدایی بین‌المللی است"

در حالیکه اجلاس‌های امسال "ناتو" باردیگر پشتیبانی از تصمیم استقرار موشک‌های هسته‌ای میان‌برد جدید امریکا را در اروپای غربی تأیید کرد، دولت اتحاد شوروی اظهار داشته است که چنانچه در جریان "گفتگوهای ژنو" درباره تحدید سلاح‌های هسته‌ای در اروپا در این زمینه وضع شود (شماره موشک‌های هسته‌ای در سطح کنونی باقی بماند) این کشور موشک‌های هسته‌ای میان‌برد خود را در مناطق باختری سرزمین خویش یکجانبه کاهش خواهد داد.

بدینسان، چنانکه برژنف چندی پیش یادآور شد، ("بر قدرت") اتحاد شوروی دکترین نظامی جز دکترین دفاعی ندارد. در مقابل باید افزود که "اسر قدرت" ایالات متحده امریکا را دکترینی جز دکترین تجاوز نیست واقعیت نامبرده را این

پاسدار صلح جهانی شناخته‌اند و نیک می‌دانند که چنانچه قدرت سیاسی، اقتصادی و نظامی اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی نبود، امپریالیست‌ها تاکنون بارها جهان را به ورطه جنگی فاجعه‌انگیز کشانده بودند.

اتحاد شوروی از همان آغاز پایه‌گذاری حکومتشورها، نه تنها هیچگاه مستکر دوره‌های گوناگون مسابقه تسلیحاتی نبوده است بلکه همواره با پیشنهادها و ابتکارات بیشتر خویش در راه پیشبرد صلح و سلاح‌زدایی گام برداشته است در حالی که "ناتو" پیوسته از تحکیم خود سخن می‌گوید و هنوز در پی عضوگیری است (آخرین نمونه اسپانیا) کشورهای پیمان دفاعی ورشو بارها اعلام داشته‌اند که خواهان انحلال همه بلوک‌های نظامی هستند.

انگیزه این سیاست عمیقاً صلح‌طلبی را باید در نظام به راستی مردمی سوسیالیسم جستجو کرد که در آن انگیزه‌های برای سودجویی کسرنها نیست و تنها نیک‌روزی انسانها را در نظر دارد. اگر اتحاد شوروی مجبور شده است تا از منابع هنگفت ثروت خود در راه به‌سرروزی بازم بیشتر خلق‌های خویش صرف‌نظر کند، این تنها به خاطر مقابله با مقاصد جنگ‌جویانه محافل امپریالیستی و دفاع از ابتدایی‌ترین حق بشریت یعنی حق زیستن در صلح، بوده است

پیشنهادهای صلح سازنده لئونید برژنف در آلمان فدرال بار دیگر مسؤلیت نخستین و بزرگترین کشور سوسیالیستی را در زمینه پیشبرد صلح جهانی و اروپایی بری از سلاح‌های هسته‌ای به ثبوت رسانید. در حالیکه بیانیه‌های اجلاس‌های امسال زمامداران

در روزهای اخیر، نهادهای گوناگون پیمان تجاوزکار "ناتو" چون همه سال، در بروکسل، پایتخت بلژیک، جلسات خود را برگزار کردند. مهمترین این اجلاس‌ها، گردهمایی‌های وزیران دفاع و خارجه پانزده کشور "ناتو" بود.

اجلاس‌های امساله "ناتو" هنگامی برگزار می‌شود که جنبش صلح در اروپای غربی به معنای راستین کلمه به جنبشی توده‌ای تبدیل یافته است در هفته‌ها و ماههای اخیر در تظاهراتی که در شهرهای بزرگ اروپا صورت گرفت میلیون‌ها تن ندای اعتراض خود را علیه سیاست تنش‌فرزایی ایالات متحده امریکا و تحمیل این سیاست بر متحدان اروپایی آن بلند کردند. آنها به‌ویژه در برابر تصمیم دولت ریگان، مبنی بر تولید سلاح‌های مرکب‌ساز نوترونی و استقرار موشک‌های میان‌برد هسته‌ای جدید امریکا در اروپای غربی، بپا خاستند.

ایجاد بی‌سابقه این تظاهرات چنان محافل حاکم "ناتو" را به دهشت و سراسیمگی برانگیخته است که برای مقابله با این جنبش گسترده صلح از دست‌یازی به هیچگونه ترفندی فروگذار نمی‌کنند. حتی آنها که به خاطر جنگجویی بیمارگونه خویش زباند عام و خاص هستند، اکنون به یاری جارچیان تبلیغاتی خویش سخن از "صلح" "تنش‌زدایی" و "خلع سلاح" می‌زنند. البته با یک اختلاف "کوچک" در چارچوب تز امپریالیستی - ماژوئیستی "دوا بر قدرت"!

رسانه‌های گروهی امپریالیستی که دیگر نمی‌توانند پرخاش میلیونها انسان را علیه محافل صلح‌ستیز امپریالیستی نادیده انگارند، اکنون به مسخ شعارهای جنبش توده‌ای صلح دست می‌یازند و از مبارزه با صلح‌ستیزی "دوا بر قدرت" دم می‌زنند. اما همه کس می‌داند که این "سلاح جدید" تبلیغاتی زرادخانه امپریالیسم نیز چیزی جز سلاحی فرسوده نیست جهانیان دیگر امروز اتحاد شوروی را به‌مثابه پرتوان‌ترین و پیکرترین

گسسته باد همه وابستگی‌های اقتصادی، سیاسی، نظامی، و فرهنگی با امپریالیسم جهانی بسر کردگی امپریالیسم امریکا

سرانجام مجلس طرح

اراضی شهری را به تصویب رساند

شورای نگهبان تا امروز با این طرح مخالفت کرده است

چندی پیش طرحی از سوی کمیسیون مسکن و شهرسازی مجلس شورای اسلامی به مجلس ارائه شد تا با تصویب آن دولت بتواند گام‌های جدی و موثرتری در جهت بهبود وضع مسکن توده‌های زحمتکش بی‌خانمان بردارد. این طرح علیرغم آنکه نمی‌تواند چاره‌ساز این مشکل سنگین که دامنگیر اکثریت مردم است باشد، مهربانانه راه را از یک سو برای پاسخگویی‌های اولیه باز می‌کند و از سوی دیگر مقدمه‌ای برای تدارک برنامه‌های جدی‌تر و موثرتر است. اجرای این طرح به سهولت و کوشش‌های حلی‌نشینان و به‌ضرر زمینخواران غارتگر است با به اجرا درآمدن این طرح، اعتماد توده‌های محروم به انقلاب و جمهوری اسلامی تقویت شده و تحکیم می‌یابد هنگامی که این طرح به مجلس ارائه شد، در همان گام‌های اولیه معلوم گردید که شورای نگهبان با آن موافقت ندارد و طرح در صورتی که تصویب شود مورد مخالفت آن قرار خواهد گرفت. زیرا افرادی از شورای نگهبان گفته بودند که با ماده‌های ۷ و ۸ و تبصره‌های عده از اعضای شورای نگهبان معتقد بودند که ماده ۷ این طرح که می‌گوید "کلیه اراضی شهری بلاصاحب معلوم در اختیار دولت می‌باشد" و ماده ۸ نیز که تصریح می‌کند "مالکین اراضی بایر شهری در سراسر کشور نمی‌توانند از حد نصاب معین شده توسط قانون عدول نمایند، مغایر با مالکیت شرعی افراد (یعنی زمینخواران) است. از نظر آنها تبصره ۲ ماده ۱۰ که می‌گوید واگذاری اراضی وقفی و مشابه آن "بایستی بر طبق ضوابط شهرسازی با نظروارت مسکن و شهرسازی صورت گیرد" با شرع نمی‌خواند و لذا نمی‌تواند مورد موافقت آنها باشد.

در برابر نظر اکثریت شورای نگهبان درباره این طرح، اکثریت قاطع نمایندگان مجلس از آنجا که با نیازهای مردم محروم و آن را تقدیم مجلس کرد:

مجلس شورای اسلامی نیز پس از شور کافی و استماع موافقین و مخالفین آن را با اکثریت قاطع آراء تصویب کرد. اما شورای نگهبان باز این طرح به مخالفت برخاست که این مخالفت خود باعث ایجاد موجی از آندوه و تأسف و اعتراض میلیونها نفر از مردمی گردید که چشم به راه این طرح مردمی بودند. بعد از مدتی کمیسیون مزبور مجدداً دلایل دفاع خود و اکثریت مجلس را در مورد ماده‌های ۷ و ۸ شورای نگهبان در میان گذاشت و سه همراه توضیحات قانع‌کننده‌ای پیرامون لزوم تبصره ۲ ماده ۱۰، تصویب طرح مزبور را به مجلس ارائه داد.

مجلس شورای اسلامی در جلسه سه‌شنبه ۱۷ آذرماه پس از شنیدن دفاعیات کمیسیون مربوطه و اظهارات نمایندگان موافق و مخالف و همچنین دفاعیات مستدل وزیر مسکن و شهرسازی، همان ماده‌های مورد مخالفت شورای نگهبان را با استفاده از اجازه امام در مورد تشخیص ضرورت بار دیگر با رای قاطع نمایندگان مردم به تصویب رساند. ماضی‌انگار سرسندی از تصویب این طرح و ابزار تحسین نسبت به اقدام شجاعانه اکثریت نمایندگان مجلس توجه آن دسته از نمایندگان مجلس و یا اعضای شورای نگهبان را به این حقیقت جلب می‌کنیم که تنها اتحاد واقعی و پایدار اتحاد بین معتقدین به آماج‌های انقلاب است. زیرا بین آنانکه دوستدار ادامه انقلاب و طرفدار تحقق اهداف مردمی جمهوری اسلامی هستند، با آنها که به هر تئیس متوسل می‌گردند تا نگذارند آرمان‌های مردمی اسلام انقلابی امام خمینی متحقق و جمهوری به سود مستضعفین تثبیت شود، اتحادی نمی‌تواند در بین باشد کوشش در راه حفظ این نوع "اتحاد" فعالیت در راه تفرقه است و سخن و کسار آن کسانانی است که در پی نفاق افکنی هستند و نه اینکه در راه وحدت و اتحاد واقعی و راستین مردم باشند. مردم منتظر هستند ببینند شورای نگهبان به اسلام مدافع محرومان و مستضعفان تا چه اندازه نزدیک است؟

برنامه تلویزیونی: "آنسوی خبر" در کدام سواست؟

«شوروی را مطرح می‌کنند

که آمریکا منسی شود» امام خمینی

مدتی است که سیمای جمهوری اسلامی ایران برنامه‌های را تحت عنوان "آنسوی خبر" پخش می‌کند که مایه کمال تعجب و تأسف است. این برنامه نیم‌ساعته که قبلاً در روزهای جمعه قبل از اخبار پخش می‌شد، از هفته گذشته روز دوشنبه پخش شد. خطوط اصلی این برنامه مانند همیشه، بینندگان هشیار را بیاد سخن معروف امام خمینی انداخت که در سر فصل این مقال آورده‌ایم. باید گفت این برنامه اغلب برای سخن یاد شده امام که پرده از توطئه‌های اصلی علیه انقلاب ایران برداشته است، بهترین مصداق است تهیه‌کننده یا تهیه‌کنندگان این برنامه با ظرافت کامل البته با تحریف و سرهم‌بندی، مطالب را چنان انتخاب می‌کنند که تفسیر ماوکبستی "دوا بر قدرت" را جا بیندازند. و بعد از آنکه وانمود کردند دوا بر قدرت جنایتکار هستند، چنان مسیری را بروند که شوروی را خطر اصلی برای دنیا و مارکسیسم را دشمن شماره یک خلقهای جهان معرفی کنند. اجازه بدهید برنامه هفته گذشته "آنسوی خبر" دوشنبه ۱۹ آذرماه ۱۳۶۰ را اندکی بشکافیم:

در این برنامه، که درست در روز مانور مشترک آمریکا انگلستان و عمان در نزدیکی خاک ایران پخش شد، کوچکترین اشاره‌ای به این توطئه نزدیک دشمن نبود. در عوض برنامه به آرژانتین و اتیوپی اختصاص داشت. برنامه اول که مدت آن بسیار کم بود، به آرژانتین می‌پرداخت. در این برنامه با لحنی که هیچ کینه‌ای علیه آمریکا تیز نمی‌کرد، با حد اکثر اجتناب حتی از تکرار نام آمریکا، شرح مختصری درباره تاریخ آرژانتین داده شد و سپس به شرح شرایط

رژیم صدام را رسواتر ساخت:

بمباران جنایتکارانه مردم ایلام در نماز جماعت

به دنبال پیروزی رزمندگان انقلاب در جبهه‌های جنگ و به‌ویژه عملیات طریق القدس و فتح بستان، رژیم صدام جنایات وحشیانه علیه مردم قهرمان ایران را شدت بخشیده است. طی چند روز اخیر در بمباران شهرها و نقاط مسکونی ایران ده‌ها تن شهید و صدها نفر مجروح گردیدند. براساس گزارش‌های رسیده در بمباران هوایی ایلام ۲۱ تن شهید و گروه بسیاری مجروح شدند. در دزفول ۲۰ تن شهید و ۱۰۰ نفر مجروح شدند و بمباران اهواز توسط میزاهای عراقی ۱۱ کشته و ۶۳ تن مجروح برجای نهاده است.

اینگونه اعمال جنایتکارانه اراده مردم قهرمان ایران را درهم شکنند باید پاسخ خود را در شعارهای کوبنده مرگ بر امریکا مرگ بر صدام که هر روزه بر زبان مردم قهرمان ایلام دزفول، اهواز... و سراسر ایران جاری است بیابند. خلق قهرمان ما از گروه مبارزه با رژیم دیکتاتوری شاه سربلند بیرون آمده، دو سال و نیم در برابر توطئه‌های امریکا از انقلاب خود دفاع کرد و اکنون ۱۵ ماه است با حماسه آفرینی و جانبازی، نقشه تجاوزگرایه امریکایی صدام را عقیم نهاده است. خلق ما خلقی است در کوره انقلاب گداخته شده، نه بمباران وحشیانه میزاهای عراقی و نه اعمال تروریستی و بمب‌گذاری هیچ‌کدام قادر نیست چنین خلقی را به زانو درآورد. جواب مردم ما در برابر این تلاش‌های وحشیانه که در عین حال مذبوحانه نیز هست صدامیان می‌دهد تنها یک چیز است، صفوف فشرده تر و اراده استوارتر برای به پایان رساندن پیروزمندانه این جنگ.

یابد حاکم بعث عراق می‌کوشد اعتباری را که در جبهه‌های جنگ از دست داده با دروغ و تزویر و مظلوم‌نمایی در صحنه بین‌المللی جبران کند. جمهوری اسلامی ایران باید با هشیاری باز هم بیشتری این تلاش‌ها را در سطح بین‌المللی رسوا و افشاکند و ساخته و چهره بی‌نقاب رهبران جنایتکار این کشور را به جهانیان بشناساند. دعوت از خبرنگاران خارجی برای بازدید از ویرانه‌های ناشی از بمباران‌های اخیر، گام موثری در این راه بود که برداشته شد. این‌گونه حرکات باید با هشیاری بیشتری پیگیری شود. واضح است که خبرنگاران و دستگاه‌های تبلیغاتی جمهوری اسلامی در این راه نه تنها هیچ کمکی به ما نخواهند کرد، بلکه آشکارا علیه میهن انقلابی ما اقدام می‌کنند اما هستند بسیاری از دوستان انقلاب و حتی کسانی در میان همسان خبرنگاران که حاضرند صدای مردم ما را تا دورترین نقاط گیتی برسانند. باید همه امکانات را در این جهت کارگرفت.

ترور آیت الله دستغیب جنایت تازه ضد انقلاب!

جمعه گذشته تروریست‌ها با آفریدن فاجعه‌ای دیگر آیت‌الله دستغیب امام جمعه شیرازو نماینده امام در فارس را همراه ۱۲ تن از همراهانش به شهادت رساندند. بنیان این ترور فجیع چه کسانی هستند؟ سلطنت‌طلبان، ساواکی‌ها، عوامل فئودالها و خان‌های منطقه... یا مجاهدین؟ باید گفت و تکرار کرد که این اوج رسوایی سرنوشت غم‌انگیز جوانانی است که اکنون حول دار و دسته خائن رجوی - خیابانی گردآمده‌اند توضیح و اوضاحت است که بگویم سیاست‌ها، روش‌ها و اعمال این باند دیگر هیچ تفاوتی با سایر ضدانقلابیون رنگارنگ در ایران ندارد. همه اینها باید هشداری باشد برای آن دسته از مجاهدین که هنوز پندارهایی جز این دارند...

این واقعت مسلمی است که هرچه انقلاب ما جلوتر می‌رود و پیروزی‌های تازه‌تری کسب می‌کند امریالیسم براندازی خود را شدت بخشیده و در داخل نیز عملیات تخریبی و ضدانقلاب دامنه گسترده‌تری می‌گیرد. به دنبال هر پیروزی، ضدانقلاب و فرروافتادگان در دام سیاست‌های ضدانقلابی، ضربه تازه‌ای بر پیکر انقلاب وارد آورده و می‌کوشند تا اثرات پیروزی‌های مردم را در جهت تحکیم و گسترش انقلاب بی‌اثر سازند. عملیات تروریستی که از پس پیروزی‌های انقلاب اتفاق می‌افتد از همین‌جا نشات می‌گیرد. تروریست‌ها در اینگونه اعمال می‌کوشند با ترور شخصیت‌هایی که در زمره امیدهای این انقلاب هستند، مردم ما را از خدمتگزارانی صدیق و دلسوز محروم سازند. ترور آیت‌الله دستغیب نیز در خدمت همین اهداف است آنچه که در ترور آیت‌الله دستغیب نیز همچون ترورهای گذشته به چشم می‌خورد، سببیت تروریست‌ها، تلاش در جهت دامن‌زدن به جو خشونت و جلوگیری از اجرای قانون و نابود ساختن رهبران و کادرهای درجه اول جمهوری اسلامی است. ترور آیت‌الله دستغیب و ۱۲ تن از همراهان ایشان به

آن وضع غیرانسانی نشاندهند آن است که ضدانقلاب برای جلوگیری از مرگ محتوم خویش به هر تلاشی جنایتکارانه‌ای دست می‌زند. ضدانقلاب هرچند شکست‌های پی در پی را تحمل کرده است، اما زخم خورده و خطرناک است و به هر پستی تن می‌دهد. متأسفانه این چندمین بار است که کادرهای طراز اول جمهوری اسلامی قربانی تروریسم گور شده‌اند. ضرورت محافظت از مسئولین جمهوری اسلامی و اقدام متناسب با رعایت کامل قانون برای حفظ جان آنان ضرورتی است که باید مورد توجه بیش از پیش قرار گیرد. مسامحه در این امر ضربات بازم جدی‌تر بر پیکر انقلاب وارد خواهد آورد. سازمان ما ضمن محکوم ساختن این فاجعه جانگزار شهادت روحانی مبارز آیت‌الله دستغیب و همراهان ایشان را به حضور امام خمینی، مردم ایران و خانواده‌های آنان صمیمانه تسلیت می‌گوید.

برنامه تلویزیونی...

امریکایی سوماتی چنین گفت شد که گویا "زیادبارة" بر اثر فشار شوروی و ندادن اسلحه به آن کشور، مجبور شده است به طرف امریکا برود! کمترین توضیحی هم درباره ماهیت رژیم سوماتی که از دشمنان انقلاب ایران است، داده نشد. در عوض هرچه بد و بیراه بود نثار اتیوپی انقلابی شد که همواره پشتیبانی خود را از انقلاب ایران اعلام داشته و اخیراً هم پیمان دوستی با لیبی انقلابی، که آن هم از بهترین دوستان ایران است بسته است.

و بالاخره "دم خروس" وقتی لو رفت که گوینده با لحنی، که می‌کوشید گزنده باشد، اعلام کرد که بلایای اتیوپی از اینجااست که این کشور راه رشد غیرسرمایه‌داری را انتخاب کرده است و

از صفحه ۱۲

این راه را هم که یک فریب است "روسها" در سال ۱۹۶۰ اختراع کرده‌اند! گوینده سپس اضافه کرد که البته براساس این تز، اتیوپی سوسیالیستی نیست اما به طرف سوسیالیسم می‌رود! و البته فراموش کرد که در ابتدای برنامه پی‌در پی اتیوپی را کشوری سوسیالیستی نامیده بود. و بعد از این دم خروس درمسار راه رشد غیرسرمایه‌داری که سعی می‌شد در لایبلی، لفاظی‌ها و ردگم‌کردن‌ها، منشاء آن معلوم نشود، بر هشیاران روشن گردید که ریشه این برنامه از مائوئیسم آب می‌خورد. چون این بحث که مائوئیست‌ها آن را به این شکل علم کرده‌اند تا انقلاب‌های رهاشیشش معلوم نشود، بر هشیاران روشن گردید که ریشه این برنامه از مائوئیسم آب می‌خورد. چون این بحث که مائوئیست‌ها آن را به این شکل علم کرده‌اند تا انقلاب‌های رهاشیشش معلوم نشود، بر هشیاران روشن گردید که ریشه این برنامه از مائوئیسم آب می‌خورد. چون این بحث که مائوئیست‌ها آن را به این شکل علم کرده‌اند تا انقلاب‌های رهاشیشش معلوم نشود، بر هشیاران روشن گردید که ریشه این برنامه از مائوئیسم آب می‌خورد.

بمناسبت سالروز تولد انقلابی بزرگ حیدر عمواوغلی

اتحاد

درس بزرگ زندگی حیدرخان

۲۹ آذر سالروز تولد حیدر تاروی وردیف ، معروف به عمواوغلی یکی از بنیانگذاران جنبش کمونیستی ایران و از انقلابیون بنام مشروطیت می باشد .

حیدرخان در دوران مبارزات کارگران ایرانی مقیم قفقاز زندگی انقلابی خود را آغاز کرد . چندی بعد به عنوان مهندس برق به ایران برگشت . در انقلاب مشروطیت شرکت کرد و در همین زمان نخستین هسته های سوسیال دمکرات را در تهران و چند شهر دیگر پایه ریزی کرد . پس از به توبیستن مجلس برای تشکیل حزب دمکرات به همراه تنی چند از انقلابیون کوشش نمود . در تمام تیریز در کنار ستارخان جنگید و در فتح تهران شرکت جست . پس از پایان بی فرجام انقلاب مشروطه و غصب قدرت توسط ساشوکاران و ارتجاعیون بار دیگر به خارج رفت . در خارج نیز از فعالیت انقلابی باز نماند . در پیروزی انقلاب اکتبر سهم ادا کرد ، علیه ضدانقلابیونی که به کمک ۱۴ کشور امپریالیستی بر ضد نخستین حکومت کارگری جهان توطئه می کردند جنگید . در نخستین کنفرانس ملل شرق رهبری کمونیست های ایرانی را برعهده گرفت . پس از آن به صدارت کمیته مرکزی حزب کمونیست ایران برگزیده شد و برای پایان دادن به اختلافات میان سران جنبش جنگل به ایران بازگشت و در این امر پیروزی هایی بدست آورد علیه "چپ" روی ها و راست اندیشی های افراطی درون حزب مبارزه کرد . در صدد ایجاد ارتباط بین قیام های گیلان خراسان و آذربایجان برآمد که به دلایلی موفق نشد . . . و سرانجام در یک روز خونین و غمناک در جنگل های پسیخان بطرز مشکوکی به شهادت رسید . با مرگ حیدرخان جنبش انقلابی و کمونیستی ایران به ضایعه ای بزرگ دچار آمد .

در این کارنامه سراسر درخشان ، باید به ویژه بر دو جنبه از فعالیت انقلابی حیدرخان انگشت نه نهاد . حیدرخان به مثابه رزمنده های انترناسیونالیست و حیدرخان در چهره کوشنده خستگی ناپذیر وحدت همه جانبه خلق .

حیدرخان یک انترناسیونالیست واقعی

حیدرخان که امکان آن را یافته بود در دامان حزب سوسیال - دمکرات روسیه پرورش یابد از همان ابتدا با اندیشه های انترناسیونالیستی آشنا گشته و عمیقاً بدان ایمان آورد . حیدرخان از آن انترناسیونالیست هایی نبود که در حرف دم از آن زند و در عمل ایده هایش را به زیر پا گذارد . حیدر در مبارزات انقلابی کارگران باکو و پس از آن در انقلاب دوران ساز اکتبر تلاش های شایان توجهی کرد و در سال ۱۹۱۸ که به ابتکار لنین کمیساریای مسلمانان تشکیل شده بود ، به عضویت این کمیساریا درآمد . او در همان سال در تاسیس بوروی مرکزی سازمان های کمونیست های

ملت های مسلمان شرکت کرد . در سال ۱۹۱۹ بنا به توصیه مستقیم لنین حیدرخان دعوت نمایندگان شرق را به اولین کنفرانس کمینترن برعهده گرفت .

او پس از بازگشت به ایران تمامی تلاش خود را در جهت نزدیکی و همستگی هرچه بیشتر انقلابیون کمونیست ایران و دیگر کشورها بکار برد . عشق به پیروزی ایده های رها نپیشش سوسیالیسم در سراسر جهان و اندیشه های خلاق این انقلابی سترگ در کلمه به کلمه سخنرانی او در نخستین کنفرانس ملل شرق به چشم می خورد :

" رفقا ! به ما امکان بدهید که دوشادوش شما در ردیف شما با دشمنان مشترک مبارزه نمائیم . . . ما در ردیف شما مبارزه خواهیم کرد در عین حال دستجات تبلیغاتی و پروپاگانادست از راه ایران به هندوستان خواهیم فرستاد . و قوای انقلابی ایران که با انقلابیون هند متحد می شوند ، امپریالیسم انگلستان را از بین خواهند برد . . . رفقا ! ما نمایندگان شرقی که در اینجا گرد آمده ایم دارای هدف مشترک در مبارزه علیه دشمن مشترک هستیم "

این طنین صدای یک انقلابی کمونیست ایران در ۶۰ سال پیش در برابر نمایندگان ملل شرق است ! انقلابیون کمونیست ایران همواره به این ندای انقلابی و بشردوستانه وفادار مانده و در راه آن رزمیده اند .

حیدرخان میهن پرستی پر شور

حیدرخان که انترناسیونالیستی واقعی بشمار می آمد ، لاجرم میهن پرستی صدیق پر شور و جان برکف نیز بود . فعالیت فداکارانه او در انقلاب مشروطیت در نهضت جنگل و در میان کمونیست های ایرانی قبل از هر چیز نشانه عشق عمیق او به مردم محروم و ستم کشیده میهنمان ایران است . قلب حیدرخان به خاطر رهایی محرومان ایران و کسب استقلال ، آزادی و عدالت اجتماعی می تپید

حیدرخان دریافته بود که موفقیت جنبش انقلابی ایران در گرو نامین وحدت صفوف مردم با هر مرام و اندیشه و مذهب علیه دشمن مشترک استعمار انگلیس و ارتجاع دست نشانده آن است حیدرخان براساس این درک چه در زمان انقلاب مشروطه و چه پس از آن در جهت وحدت صفوف مردم رزمید . اما در این راه اوج فعالیت او در جریان نهضت جنگل بود . زمانی که اقدامات محافظه کارانه میرزا کوچک خان از یک سو و ماجراجویی ها و چپ روی های احسان الله خان و خالوقریان از سوی دیگر که هر سه تن از سران نهضت جنگل بودند - همراه با توطئه گری دشمنان مردم ، وحدت نیروهای انقلابی را دچار

آسیب های جدی ساخته و نهضت را در آستانه شکست قرار داد ، حیدر عمواوغلی که به صدارت کمیته مرکزی حزب کمونیست ایران برگزیده شده بود ، برای حل اختلافات به گیلان آمد .

حیدرخان برای اتحاد میان انقلابیون از یک سو بر ضد توطئه های امپریالیسم و ارتجاع و تنگ نظری نیروهای موجود در جنبش می رزمید و از سوی دیگر علیه "چپ" روی های درون حزب کمونیست ایران ، در جریان همین مبارزه در درون صفوف حزب بود که تا حدودی نظرات "چپ" روانه تضعیف شد . اندیشه "انقلاب خالص کمونیستی" و تقابل با سایر نیروهای درون جنبه انقلاب به کناری نهاده شد و تزه های کمیته مرکزی که موسوم به تزه های حیدرخان است و براساس مقاله او " بنیاد اجتماعی انقلاب ایران" تنظیم شده بود ، به تصویب رسید . در این تزه ارزیابی درست از موقعیت جامعه ایران ، همکاری با سایر نیروهای انقلابی از جمله میرزا کوچک خان قویا توصیه شده بود . در این تزه گفته می شد :

" . . . حزب کمونیست ایران (عدالت) از

اقدامات فوری درباره اجرای تدابیر خالص کمونیستی در ایران امتناع می ورزد و حزب نگار خود را تا سرنگونی حکومت شاه و طسرد امپریالیسم انگلیس ، بر پایه اتحاد همه طبقات از پرولتاریا گرفته تا بورژوازی متوسط برای مبارزه علیه قاجار و امپریالیست های بیگانه همچنین برپایه مناسبات نزدیک با حزب دمکرات های چپ (گروه شیخ محمد خیابانی) که بیانگر منافع خرد بورژوازی و روشنفکران است ، مبتنی می سازد . . . همچنین حزب کمونیست ایران (عدالت) خواهان آن است که با رهبران سرشناس جنبش آزادیبخش ملی مانند میرزا کوچک خان و امثال او همکاری کند . . . "

تاکید بر این تزه در شرایط کنونی از آن نظر مهم است که ردیه قاطعی است بر تلاش هایی که می کوشند چنین وانمود سازند که حیدرخان و حزب کمونیست ایران به میرزا خیانت کرده ، از همکاری با او سرباز زده و حتی علیه او قیام کرده اند . . .

اگر مبارزه کمیته مرکزی حزب کمونیست ایران به رهبری حیدرخان علیه "چپ" روها به پیروزی های معینی دست یافت در جنبه دیگر کار بسیار دشوارتر بود . دشمنان مردم آتش اختلاف میان انقلابیون را آنقدر تیز کرده بودند که اتحاد مجدد بسیار دشوار می نمود . امپریالیسم و ارتجاع با فرستادن "پروکاتورها" و جاسوسان خود به میان صفوف هر دو طرف به اختلافات دامن می زدند . حیدرخان بی تردید تنها کسی بود که شایستگی و اعتماد لازم در

بقیه در صفحه ۱۵

گسترده باد همگامی و همکاری

همه نیروهائی که در راه ایرانی آزاد و دمکراتیک مبارزه می کنند

اتحاد

بقیه از صفحه ۱۳

اتحاد درس بزرگ زندگی حیدرخان

حیدرخان از نخستین انقلابیون میهنمان بود که راه نجات مردم ایران را تشخیص داد: اتحاد خلق در مبارزه علیه امپریالیسم و ارتجاع و برقراری گسترش رابطه محکم با سایر قوای انقلابی جهان. حیدرخان نزدیک به ۳۰ سال در این راه رزمید و هرگز از آن عدول نکرد. بیپرده نیست که این فرزند دلآور خلق فرود کین و غضب و نفرت تمامی دشمنان مردم قرار گرفت. امپریالیسم و خاندان فاسد پهلوی بسیار کوشیدند تا چهره این انقلابی سترگ را در پس گذشت سالها پنهان نگاه دارند و هرچنان نیز نامی از او برده می شود، با واژه های بی وطن و بی دین در نزد مردم او را توطئه گری بیگانه پرست جلوه دهند. او یک انترناسیونالیست بود و به خاطر رهایی زحمتکشان سراسر جهان مبارزه کرد از این رو امپریالیست ها او را بیگانه پرست و بی وطن نامیدند. او میهن پرست بود و در راه رهایی مردم میهنش و برقراری عدالت اجتماعی جنگید. از این رو "خدایان" سرمایه و زمین او را "ضد دین و مردم" نامیدند.

این تاسف آور نیست تاسف آور آنجاست که رژیم جمهوری اسلامی ایران چنین واژه هایی را تکرار کند. و سالروز بزرگداشت میرزا کوچک خان فرزند انقلابی خلق را با کارزاری علیه حیدر عمو او غلی فرزند دیگر خلق همراه کند. تاسف آور آنجاست که رژیم انقلابی ایران نیز همان سیاست سکوت و پاشیدن گرد و غبار زمانه بر چهره این انقلابی بزرگ را دنبال کند. و تاسف بارتر از همه آن است که روزنامه های رژیم جمهوری اسلامی همان "درسی" را تکرار کنند که میرزا کوچک خان، حیدر عمو او غلی و ... قربانی آن شدند و بر جنازه آنان امپریالیسم و ارتجاع جشن و پایکوبی برافروختند. درس نفاق و تفرقه بر ماست که آموزش بزرگ او و زندکیش را پاره و بارها تکرار کرده و هر روزه آویزه گوشمان قرار دهیم:

با هم متحد باشیم، با انقلابیون جهان متحد باشیم تا بتوانیم دست در دست هم امپریالیسم و ارتجاع را به گور سپرده استقلال آزادی و عدالت اجتماعی را به چنگ آوریم.

مشتور شد: انقلاب و سوسیالیسم



۴

فرغان ۱۶ آذر امام ...

از صفحه ۲

این اشخاص را می رساند، زیرا: "ولایت فقیه عین اجرای قانون است معنی پیروی از ولایت فقیه عین اجرای قانون است کسی که متخلف از قانون باشد درست ضدولایت فقیه است و تمام شعارهای کشور که مرگ بر ضدولایت فقیه است یعنی مرگ برکسانی که ضدقانون هستند" این اشخاص ضدقانون، هیچ خدایی را بنده نیستند. اگر رئیس کمیته هستند، کمیته مال خودشان است، بدون هیچگونه پایبندی به قانون اگر حاکم شرع هستند، دادگاه و دستجات مسلح خاص خود دارند، اگر دادستان هستند، زندان خاص خود دارند و به تنها چیزی که اعتقاد ندارند اطلاعیه ۱۰ ماده ای شهید قدوسی است. اگر مسئول سپاه و بسیج هستند، دیگر جای خود دارند بیا و تماشا کن! آگاهی به منازل اشخاص بدون مجوز شرعی و قانونی وارد شده آنان را جلب می نمایند و اگر شخص مورد نظر نباشد، بستگان و زن و فرزند او را جلب می کنند و گاهی به بهانه های هتک آبرو و حیثیت اشخاص را می نمایند و با این اعمال غیرشرعی، هتک جمهوری اسلامی و مقامات قضایی را می کنند. ضرباتی که این دسته تاکنون به انقلاب وارد آورده اند بسیار است. زمان برای تربیت و ارشاد آنان به آن اندازه تنگ است که دیگر جایی برای نگهداشتن ایشان در پست های خود باقی

نمانده است. برای تربیت و ارشاد آنان امروز الزاما تیباید که آنها را در پست های خود ایفا کنند. باید بدون فوت وقت، وبدون آنکه یک مورد تخلف را قانون را نادیده انگاریم به خودسری ها و خلاف کاری های ایشان پایان داده شود.

باید بدون درنگ، اشخاص متعهد به انقلاب و پایبند به قوانین جمهوری اسلامی جای اینها را بگیرند تا قانون ناظر بر فعالیت نهادها و مسئولین جمهوری اسلامی ایران گردد. در این میان رهبران گروهک های "چپ" رو، آتارشیست و مائوئیست نیز جای خاص خود را دارند، این رهبران با فریب انبوه هواداران همراه خود، مردم را علیه حکومت قانون برمی انگیزند و به دشمنی با حکومت قانون تشویق می کنند. حساب این رهبران را بایستد از فریب خوردگان آنان جدا کرد. اجرای اطلاعیه ۱۰ ماده ای شهید قدوسی و پایبندی بسودن خدشه مسئولان به مفاد این اطلاعیه نخستین شرط برداشتن موانعی است که در این زمینه در راه استقرار حکومت قانون وجود دارد. امروز قانون شکنی سنگر دشمنان انقلاب است و همانگونه که در بیانیه مشترک حزب توده ایران و سازمان ما تاکید شده است:

"پدیده تشدید تعهد صادقانه و اجرای بدون خدشه قانون اساسی نخستین گام در راه پشتیبانی از انقلاب شوکوند مردم میهن ماست"

تلاش

مجله، از سه جز تشکیل می شود: ۱- برنامه بخش اطلاعات نادرست ۲- ایجاد یک "ضد دولت برای مقابله با ادعای (قذافی) مبنی بر دست داشتن رهبری ملی ۳- گسترش کارزاری شبه نظامی ... به دست ناراضیان (از رژیم)، انفجار پلها، عملیات پارتیزانی محدود برای اثبات "این امریکه نیروی سیاسی پرتوانی مخالف رژیم است" تشدید کارزار ضدلیبی ریگان را، از جمله در منع سفر اتباع امریکایی به لیبی و

فراخواندن امریکایی های مقیم لیبی از آن کشور در چهارچوب این برنامه شیات زدایی باید دید. می توان پیش بینی کرد که برنامه نامبرده کماکان ادامه خواهد داشت و ابعادی خطرناکتر خواهد یافت. هیچ وزیر خارجه امریکا، هم اکنون از امکان گسیل ناوگان ششم امریکا در مدیترانه به سواحل لیبی برای تخلیه شهروندان امریکایی سخن گفته است وی در جواب به پرسش خبرنگاران، احتمال مداخله مسلحانه امریکا را در لیبی تکذیب نکرد. به گزارش شبکه تلویزیونی "ان بی سی

بقیه از صفحه ۱۱

بی "امریکا، ریگان ستاد ویژه ای برای مراقبت بر اوضاع خارجی لیبی تشکیل داده است. اکنون ثابت شده است که توطئه ربودن هواپیمای لیبی در هفته گذشته نیز جزئی از کارزار "سیا" علیه خلق برادر لیبی و جمهوری اسلامی ایران بود، کسه خوشبختانه با هشیاری مقامات ایرانی عقیم ماند ما این تشبیهات تبهکارانه دولت ریگان را علیه لیبی قاطعانه محکوم می کنیم و بار دیگر همسنگی خویش را با مبارزه ضد امپریالیستی دولت و خلق لیبی اعلام می داریم

و بنا به اظهار آقای علوی طباطبایی سخنگوی وزارت خارجه، بلافاصله کمیسیون ویژه ای در فرودگاه مهرآباد تشکیل شد که: "تلاش می کند خواسته های عاملین این ماجرا را دقیق تر روشن کند و هرچه زودتر به وضعیت ایجاد شده سامان دهد و اجازه ندهد به روابط خوب ایران و لیبی لطمه ای وارد شود"

بدین ترتیب این ترفند خنثی گشت اما بایستی در مقابل ترفندها و توطئه های آتی، هشیاری درخور تحسین امروز را نه تنها حفظ نمود، بلکه چنان عمل باید کرد که هیچکس نتواند چنین اهریمنانه بیاندیشد که می توان در روابط ایران انقلابی با متحدین ضد امپریالیست آن اختلال ایجاد نماید.

از صفحه ۱۰

ترفندی تازه برای ...

است، خنثی گردید. دولت جمهوری اسلامی ایران تنها پس از درخواست لیبی بود که به هواپیمای ربوده شده اجازه فرود داد و آقای موسوی نخست وزیر و سرپرست وزارت خارجه در مصاحبه ای اعلام کرد که:

"این اقدام هم از نظر ابزاری و هم از نظر محتوی مسئله ای است که مردود از نظر ماست"

مردم میهن ما تا قطع کامل

سلطه امپریالیسم امریکا به مبارزات خود ادامه خواهند داد

ارگانهای دولتی را در سنج از عناصر تنگ نگر و مشکوک پاکسازی کنید

ساعت هشت و نیم صبح بود که به سنج رسیدیم ، اتوبوس حدود دو ساعت در شهر کامیاران توقف اجباری داشت ، زیرا احتمال میرفت بماند فاسلو و سایر گروهکهای ضدانقلابی در فاصله کامیاران - سنج به اتوبوسهای حامل مسافران حمله کنند .

بیش از یک سال و نیم است که سنج از زیر کنترل گروههای ضدانقلابی و چپرو درآمده است . شهر از آرامش نسبی برخوردار است . سپاه اسداران و ارتش بر اوضاع سلطه هستند . باند فاسلو و گروهک کومهله گاهگاهی به حملات تروریستی دست میزنند قربانی این حرکات چنانکارانه اغلب مردم عادی هستند آنها در جریان تازهترین جنایت خود مسعود قصری رئیس دبیرستان شریعتی را به شهادت رساندند .

در سطح شهر جنب وجوشی که خاص اواخر پاییز است به چشم می خورد . مردم خود را برای فصل سرما آماده می کنند در جهنم مردم خوبی می توان نگرانی و تشویش را تشخیص داد . نگرانی از آینده و سرما که از راه می رسد نگرانی از بیکاری و کمبود ارزاق و سوخت نگرانی از تحریکات ضدانقلاب و انکسهای غیرمعمول و سنجیده مسئولین ارگانهای انقلابی با تلاش قابل تحسینی درصدد رساندن مایحتاج زندگی به مردم هستند بطوری که می توان گفت با وجود مشکلات ، این کار نسبتا خوب انجام می گیرد .

دیوارهای شهر پوشیده از شعارهای گوناگون است شعارهای گروهکها پاک شده و شعارهای جدیدی به جای آنها نوشته شده است . شعارهای بسیاری در دفاع از انقلاب و خط مردمی امام خمینی با امضای فدائیان (اکثریت) و حزب توده ایران همه جا به چشم می خورد . در عین حال تلاشهای ناسفآوری جهت پاک کردن این شعارها و یا به

انحراف کشاندن آنها به صورت گسترده دیده می شود علاوه بر هواداران گروهکهای ضدانقلابی که دشمن اصلی چنین شعارهایی هستند ارگانهای دولتی در سنج از جمله عناصر بسیاری در سپاه پاسداران سنج در به انحراف کشاندن و پاک کردن شعارهای سازمان و حزب نقش چشمگیری دارند و این مسئله با توجه به مضمون شعارهایی که با امضای سپاه پاسداران و سایر ارگانها نوشته شده به اثبات می رسد . در این شعارها کوشش می شود اتحاد شوروی به عنوان دشمن انقلاب ایران قلمداد شده و حمله به امپریالیسم آمریکا این دشمن غدار انقلاب ما بطور محسوس سیرنگ شود .

با دیدن چنین شعارهایی بیدرنگ به یاد این سخن امام خمینی می افتم که گروهی شوروی را طرح می کنند تا آمریکا منسوخ شود . در تماس با مردم و رفقای سازمان در سنج معلوم می شود که این گرایش انحرافی و مخرب نفوذ قابل ملاحظه ای در ارگانهای جمهوری اسلامی ایران در سنج دارد . یکی از رفقای جوان هوادار تعریف می کرد چندی پیش در حالیکه مشغول نوشتن شعار " مرگ بر آمریکا " بودم توسط طرفداران مفتی زاده که اکنون به عنوان پیشمرگان مسلمان کار می کنند دستگیر و مورد ضرب و شتم شدید قرار گرفتم آنها از من می خواستند که به جای مرگ بر آمریکا مرگ بر شوروی بنویسم من در جواب گفتم که شعار اصلی انقلاب ما مرگ بر آمریکاست و سخنان امام خمینی و آیت الله منتظری و سایر مسئولین جمهوری اسلامی ایران را در این مورد گوشزد کردم . به آنها گفتم که هیات دولت و نمایندگان مجلس هروقت تکبیر می گویند " شعار مرگ بر آمریکا می دهند " و هیچ وقت نشنیده ام " که بگویند " مرگ بر شوروی " اتحاد شوروی دوست انقلاب ماست . و من حاضر نیستم چنین شعاری

بدهم آنها را بیشتر مورد ضرب و شتم قرار دادند . آخر سر هم با رنگ روی صورت و بدن من شعار مرگ بر شوروی نوشتند و بیخوش در کنار یکی از خیابانها راهیم کردند !

اخیرا عده ای از طرفداران احمد مفتی زاده - طرفداران بنی صدر و از عاملین و مجریان دستورالعملهای ضدانقلابی کنفرانس طائف که قبلا به خاطر شرکت در گروههای ترور و اقدامات مسلحانه علیه نهادهای انقلابی محاکمه و پاکسازی شده بودند دوباره به کار دعوت و مسلح شده اند . این عده کارشان اذیت و آزار و ایجاد ناراضی بیشتر در مردم و تعقیب و بازداشت هواداران نیروهای مدافع انقلاب و جمهوری اسلامی است . و بارها صراحتا گفته اند که آنها گروهک ضدانقلابی کومهله را بر توده ایها و اکثریتها ترجیح می دهند . این عناصر ضدانقلابی که با زدن ماسک دفاع از خط امام در سپاه پاسداران و سایر ارگانها لانه کرده و با کمال تأسف از حمایت برخی مسئولین در استانداری و سپاه پاسداران نیز برخوردار می باشند ، در هر فرصت می کوشند شعارهای اصلی انقلاب را منحرف و با اعمال خودسرانه و قانون شکنانه در جایی که انقلاب با مشکلات فراوان دست به گریبان است از جمهوری اسلامی ایران و خط مردمی امام خمینی نزد توده ها چهره های مخدوش و مسخ شده تصویر نمایند .

طرح شعارهای انحرافی و ضدانقلابی در تظاهرات و سایر مراسم بصورت امری طبیعی درآمده است . در جریان برگزاری مراسم راهپیمایی علیه طرح آمریکایی فهد و پس از سخنرانی افشارگرانه حجت الاسلام موسوی نماینده مردم در غرب کشور در مورد اهداف آمریکایی این طرح ، عده ای از همین افراد بارها

کوشیدند شعارهای مرگ بر توده ای ، مرگ بر فدایی و مرگ بر شوروی را جایگزین شعار مرگ بر آمریکا و مرگ بر صهیونیسم نمایند . همچنین در جریان تشییع جنازه شهید مسعود قصری که توسط گروهک امریکایی کومهله به شهادت رسید آنها وقیحانه شعار توده ای ، مرگ به نرنگ تو خون شهیدان ما می چکد از چنگ تو !! را سر داده بودند . در نتیجه اعمال نفوذ عناصر فشری و تنگ نگر هواداران مفتی زاده در دادگاه انقلاب سنج تاکنون دو نفر از هواداران سازمان ، رفقا خسرو مائی و شفیع رضائی اعدام و تعداد زیادی از آنها زندانی و محکوم گردیده اند . ما بار دیگر این سخن داهیانه امام خمینی را تکرار می کنیم که " . . . ماورینی که می خواهید مدافع بفرستید به اطراف این ماورین را درست توجه کنید که با ساخت مردم موافق باشند همانطوری که خود شما می خواهید با مردم همفکر باشید " و به راستی که در سنج علیرغم تلاش برخی عناصر واقع بین ، در نتیجه کارشکنی و نفوذ نیروهای تنگ نگر و مشکوک و هواداران مفتی زاده این رهنمود هیچگاه بکار گرفته نشده است و مسئولین با اعمال بی رویه و سنجیده خود بر ناراضیها دامن زده و برای گروهکهای ضدانقلابی خوراک تبلیغاتی فراهم می نمایند . این امر بخصوص در آموزش و پرورش چشمگیرتر از هر جای دیگر است مسئولین آموزش و پرورش سنج با اخراجهای بی رویه و تهدید دانش آموزان زمینیه را برای تحریک گروهکهای ضدانقلابی در مدارس فراهم می نمایند . آنچه در اینجا کمترین اثری از آن یافت نمی شود سیاست ارشادی است .

در دیدار با رفقای سازمان آنها را پرشور و با نشاط تر از همیشه می یابم . چنین روحیه ای ناشی از پیروزیهای روزافزون انقلاب و

دستاوردهای گرانقدر سازمان در دفاع بیگن از وحدت پیروان اصل سوسیالیسم علمی و دفاع بی تزلزل از وحدت نیروهای جنبه خلق است . فشارهای سختی که از هر سو بر این رفقا وارد می شود آنها را در دفاع از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران آبدیده تر و مصمم تر کرده است و با وجود محدودیت های فراوانی که از جانب نیروهای دولتی بر سر راه فعالیت علمی آنها ایجاد می شود ، در تبلیغ به نفع انقلاب بسیار فعالند . آنها در تبلیغات هفته جنگ حتی از خود ارگانهای انقلابی جمهوری اسلامی فعالتر بوده اند . از شنیدن خبر شهادت رحمان کریمی و حرکات غیرمسئولانه ای که منجر به این فاجعه گردید ، رفقا و همه نیروهای مدافع انقلاب در سنج بسیار متأثر شده بودند . از طرف دیگر خبر آغاز محاکمه عظیم معبودی از عوامل قتل عام روستاهای قارنا ، قلنهان و ایندرفاش در دادگاه انقلاب تبریز مایه خرسندی و امیدواری آنها بود . زیرا وقوع چنین فجایی در آذربایجان غربی به هیچ وجه تصادفی و از روی سهو نبوده و به منظور ایجاد درگیری و هرج و مرج ، دامن زدن به اختلافات کرد و ترک ، شیعه و سنی و بدبین کردن مردم به انقلاب و جمهوری اسلامی صورت گرفته است و این اقدامات وحشیانه به هیچ وجه مورد تأیید مسئولان جمهوری اسلامی ایران نبوده و نیست و حتی توطئه علیه جمهوری می باشد . در مورد سرنوشت بند " ج " و " د " و بخصوص ضرورت اجرای آنها در کردستان رفقا می گفتند از پس در مورد ضرورت اجرای آنها از طرف نیروهای انقلابی تبلیغ شده این حروف برای خودشان شخصیتی پیدا کرده اند . اخیرا پس از پاکسازی روستاهای محور سقز بوکان زمینهای بیش از بیست

بقیه در صفحه ۱۷

بکشیم تا با استقرار صلح عادلانه در کردستان وحدت مردم میهنمان را علیه امپریالیسم آمریکا تحکیم بخشیم

ارگانهای دولتی را ...

قطعهنامه

پنوم کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

۲۰ آذر ۱۳۶۰

کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) به دعوت هیات سیاسی سازمان در تاریخ بیستم آذرماه ۱۳۶۰ تشکیل جلسه داد و پس از بررسی اقدامات وحدت شکنانه و توطئه‌گرانه علی محمد فرخنده جهرمی (کشتگر) مشاور کمیته مرکزی سازمان و منوچهر هلیل رودی عضو حوزه اقتصاد و هیت‌الله معینی‌چاغروند عضو کمیته مرکزی سازمان به اتفاق، تصمیمات زیر را اتخاذ نمود:

۱ - کمیته مرکزی سازمان از مدت‌ها پیش گزارشاتی مبنی بر فعالیت ضدسازمانی و ایجاد روابط فزاینده فزاینده توسط نامبرندگان از سوی مسئولین و اعضای سازمان دریافت می‌کرد.

رهبری سازمان براساس این گزارشها تذکرات لازم را به آنها داد و خواستار رعایت ضوابط سازمانی گردید. ولی این افراد بدون توجه به این تذکرات، همچنان مخفیانه به اقدامات خویش ادامه دادند و کوشیدند تا برخی از اعضا سازمان را با اقدامات توطئه‌گرانه خود همراه سازند.

سرانجام، این افراد مخفیانه جهت درهم شکستن وحدت سازمانی بنیادهای تدوین و در روز شانزدهم آذرماه بدون اطلاع رهبری سازمان به انتشار آن اقدام کردند. کمیته مرکزی سازمان این اقدام را وحدت شکنی آشکار، توطئه‌گری علیه سازمان و رهبری آن و به زیان منافع طبقه کارگر و جنبش انقلابی خلق‌های میهنان می‌شناسد و قویا آنرا محکوم می‌کند.

۲ - کمیته مرکزی سازمان تلاش‌های پیگیر نمایندگان خود را در مذاکراتی که برای جلوگیری از جدایی آنها از سازمان صورت گرفت، کاملاً مورد تأیید قرار می‌دهد. کمیته مرکزی سازمان در مقابل اقدامات سازمان‌شکنانه و توطئه‌گرانه آنها و با آگاهی کامل از سرنوشت تلخ کسانی که راه خود را از سازمان جدا می‌کنند، حداکثر تلاش خود را بکار برد که از کشیده شدن آنان به راهی که خواست امپریالیسم و دشمنان انقلاب ایران است، ممانعت بعمل آورد. کمیته مرکزی در مقابل اقدام تهدیدآمیز آنها به جدایی از سازمان، موافقت نمود تا مهمترین موارد مورد اختلاف، قبل از موضع‌گیری رسمی در سطح جنبش، در درون سازمان و با رفق مورد بحث قرار گیرد، ولی این افراد بر اجرای تصمیم سازمان شکنانه و ضدکمونیستی خود اصرار ورزیدند. آنها اعلام کردند که به سازمان اعتماد ندارند و از سازمان جدا شدند.

۳ - کمیته مرکزی سازمان به همه کسانی که سنگر سازمان را ترک کرده‌اند از تاریخ ۲۰ آذرماه ۱۳۶۰ به مدت یک هفته فرصت می‌دهد که دعوت کمیته مرکزی را بپذیرند و به سازمان بازگردند. در صورت بی‌توجهی به این دعوت و پس از مهلت تعیین شده، هیت‌الله معینی‌چاغروند و علی محمد فرخنده جهرمی و دیگر طراحان اصلی این اقدام توطئه‌گرانه اخراج می‌شوند. ولی آغوش سازمان همچنان بر روی کسانی که عجولانه تصمیم غلط گرفته‌اند و بر این پایه راه خود را از راه سازمان‌شان جدا کرده‌اند باز خواهد بود.

۴ - کمیته مرکزی سازمان بنیادهای درباره مضمون و سمت حرکت این افراد تهیه و در سطح جنبش انتشار می‌دهد.

۵ - کمیته مرکزی سازمان بار دیگر عزم واحد و تزلزل‌ناپذیر خود را در پی‌موردن راه وحدت سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) و حزب توده ایران و دفاع قاطع و تزلزل‌ناپذیر از دستاوردهای انقلاب ضدامپریالیستی و مردمی ایران اعلام می‌دارد. هم‌اعضاهوآداران را فرامی‌خواند که گرد رهبری سازمان صف سترک خود را مستحکم‌تر سازند.

کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)
۲۰ آذرماه ۱۳۶۰

جدا خواهند نمود. رفق در عین حال اعتقاد داشتند که وظیفه رهبری سازمان است که با رفع نواقص کار به دشمنان وحدت اجازه ندهد تا توطئه‌گران از مشکلات ما جهت توجیه خیانت و فریب عناصر ناآگاه استفاده نمایند آگاهی رفق نسبت به ماهیت عمل توطئه‌گران و وجود روحیه‌ای رزمنده و سرشار از امید، گذشته از اینکه جهت ادامه هرچه فاطمانه‌تر راهمان امید می‌بخشید. فرجام سیاه کار توطئه‌گران را نیز تصویر می‌کرد.

بعد از چند روز اقامت در سنجند آنها را ترک کردیم. در دروازه شهر همه ماشین‌ها را بازرسی می‌کردند بسیجی جوانی که سن و سالش به زحمت به شانزده سال می‌رسید، و لجه‌های اصفهانی داشت با دقت و حرارت اتوبوس ما را بازرسی کرد. به نوارهای راننده که رسید آنها را گرفت و زیر پاله کرد!

راننده با حالت پدرانهای گفت: برادر این نوارها طاغوتی نیستند نوار حسن زیرک خواننده محبوب مردم کردستان است اما بسیجی جوان با بی‌اعتنایی بکار خود ادامه داد. درباره این برخورد مدتی به فکر فرو رفتم. با مسائل فرهنگی و سنت‌ها و علائق مردم با فرهنگ و ارزش‌هایی که ریشه در قرن دارد نسل به نسل آمده است و توده‌های مردم با آن درآمیخته‌اند چگونه به این سادگی از طرف بسیجی جوانی که البته سؤنیستی هم ندارد، ناآگاهانه برخورد می‌شود. ساخت فرهنگ و آداب و رسوم و سنت‌های ملی و مذهبی مردم کردستان سال‌های است که بدون آن نمی‌توان برخوردی اصولی و واقع‌بینانه به منظور حل مساله کردستان به عمل آورد.

در فاصله سنجند کامیاران پاسداران و ارتشی‌ها همه جا روی تپه‌ها مراقب اوضاع هستند بعضی آتش روشن کرده و خود را گرم می‌کنند. در این فکر بودم که چگونه اتخاذ یک مشی اصولی در مورد

روستا به وسیله هیات هفت نفره تقسیم زمین در سقز بین روستائیان بی‌زمین و کم زمین تقسیم شده است چنین اقداماتی در جای خود جهت حل مساله کردستان موثر است لیکن مساله کردستان دارای ابعاد بسیار فراتر و عمیق‌تر از انجام چنین اقداماتی است. دولست جمهوری اسلامی باید خواست‌های مردم کردستان را که دارای ریشه تاریخی است درک کند. این مهمترین مساله است آنگاه در جهت تحقق این خواست‌ها با همکاری نیروهای مومن به انقلاب در کردستان کنه از اعتماد مردم برخوردارند بکوشد و معنای این امر یعنی حل مشکل کردستان در چارچوب قانون اساسی و پیام ۲۶ آبان ۵۸ اصام خمینی که تاکنون عوامل بازدارنده‌ای از هر دو سبب مانع اجرای آنها گردیده‌اند.

شنیدن خبر تلاش گروهی توطئه‌گر، جهت متلاشی ساختن سازمان، رفق را عمیقاً خشمگین و منزجر ساخته بود بخصوص اینکه توطئه‌گران در بیانیه خود اعلام کرده‌اند که نماینده‌ای از جانب تشکیلات سنجند سازمان در محفل آنها شرکت داشته است. رفقاً ضمن تکذیب این خبر محمول، در مورد ماهیت این عمل اعتقاد داشتند: با هر پیروزی نیروهای انقلابی، چه انقلابی مسلمان پیرو خط امام و چه پیروان اصیل سوسیالیسم علمی، دشمنان وحدت جنبش می‌کوشند با تظاهر به دفاع از دستاوردهای انقلابی مردم، علیه این دستاوردها دست به خرابکاری و توطئه بزنند. آنها با ترک سنگر واقعی وحدت و برافراشتن پرچمی دروغین و زرد واقعا به چه کسانی خدمت می‌کنند و چه توجیهی نزد توده‌ها برای عمل توطئه‌گرانه و نفاق‌افکنانه خود دارند. ما اطمینان داریم که تحت لوای چنین پرچمی جز دشمنان رنگ و وارنگ سوسیالیسم هیچکس دیگر جمع نخواهد شد و ناآگاهان گمراه شده به زودی راه خود را از آنها

هم هیچ دلیلی ندارد که همراه انقلاب نباشد. باید جمهوری اسلامی ایران سیاست صحیح و مشی روشنی در مورد کردستان داشته باشد. در این مورد فدائیان اکثریت به سهم خود از هیچگونه تلاش و فداکاری مضایقه نخواهند کرد.

کرده است. نوار خالی ریپوار بود به همسفرم گفتم نمی‌دانی دهقانان کردستان چقدر از این آهنگ خوششان می‌آید. به یاد مازرات مردم کردستان با رژیم شاه می‌افتم، خلق کرد با بیای مردم سراسر ایران در انقلاب شرکت کرد حالا

کردستان این امکان را فراهم می‌آورد که نیازی به صرف این همه انرژی و خونریزی نباشد. از سنجند خیلی دور شده بودیم. راننده نوار یکی از ترانه‌های "حسن زیرک" را گذاشته بود. معلوم شد بعضی از این نوارها را پیش خودش پنهان

اعلامیه کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

درباره اقدام توطئه‌گرانه و تفاق افکنانه کشتگر و هلیل رودی

توسل به شیوه‌های کاملاً توطئه‌گرانه به سازمان ما ضربه بزنند، سازمانی که در نظامی-غرضه‌های نبرد انقلابی، جانباخته و دوشادوش سائیس-نیروهای مدافع انقلاب و جمهوری اسلامی ایران می‌رزد. سازمانی که صیرات گرانقدر صدها تن از فدائیان عزیز فرزندان شهید خلق ماست. فکری که هلیل‌رودی، کشتگر و نظائرشان دنبال می‌کنند آنها را به کدام طرف می‌کشاند و عملشان در خدمت چیست؟ فکری که در میان همه جار و جنجال‌های جزوه مطول آنها کاملاً برجسته است وحدت‌شکنی زیر شعار وحدت و ایجاد پراکندگی و تفرقه خطرناک در میان نیروهای پیگیر انقلاب ایران است. این فکر صاحبان آن راه کدام سو می‌کشاند و دست دوستی چه کسانی را به روی آنان دراز می‌کند؟ کمیته مرکزی سازمان در برخورد رو در رو با آنها صراحتاً به ایشان اعلام کرده است که هرگام ایشان در دور شدن از سازمان و هر قدم ایشان علیه حزب توده ایران قبل از همه با استقبال گرم همه نیروهای رنگارنگ جبهه ضدانقلاب و محافل دست راستی افراطی از قبیل حجتیه‌ای‌ها و "احزاب" نویسان مواجه خواهد شد. این محافل آماده خواهند بود تا هرچه ایشان علیه ما و حزب توده ایران و در دفاع از وحدت‌شکنی و تفرقه‌جویی نویسد، با کمال میل تکرار کنند. ما به آنها صراحتاً گفته‌ایم یقین داشته باشید که اگر در مبارزه علیه پیروان اصل سوسیالیسم علمی اصرار کنید ما مؤثقت‌های امریکایی حزب رنجبران نیز مشتاقانه سراغ شما را خواهند گرفت که کمکتان کنند. ما به آنها گفته‌ایم که نقشه‌ای که شما در سر دارید راه را باز می‌کند که انواع و اقسام تفرقه‌های امریکایی خود را همراه شما بیابند و دست دوستی به سویان دراز کنند. ما به آنها گفته‌ایم که عمل شما عملی است علیه منافع طبقه کارگر و منافع انقلاب و درست به همین دلیل هر چقدر هم که کلامتان را در زورق‌های الوان بیچید باز هم شامه تیز هر عنصر ضدانقلابی سوی عملتان را می‌شود و سراغتان را می‌گیرد. تجربه انشعاب خلیل‌ملکی در ۳۵ سال پیش نمونه قدیمی تر همین جریان است که اکنون هلیل‌رودی - کشتگر در پی ایجاد آن هستند. خلیل‌ملکی نیز داعیه انقلابیگری داشت. او نیز ابتدا خود را مدافع خلق، متحد جنبش جهانی کارگری و میهن‌پرست و انترناسیونالیست و نمود می‌کرد. اما طولی نکشید که ستیز او با جنبش کارگری عملاً موجود ایران در آن زمان او را به سمت جناح‌های دست راستی حکومت سوق داد راهی که دسته او در پیش گرفته بود چنین چیزی را اقتضاء می‌کرد. ادامه انحراف، حتی علیرغم عدم تمایل اولیه برخی از افراد، آنها را جبراً به سوی نیروهای دست راستی می‌کشید و کشید. فکر خلیل‌ملکی او را با مظهر بقایای دولت مصدق نزدیک و از دکتر فاطمی‌های آن دور می‌ساخت.

خلیل‌ملکی بعدها حتی از این هم رسواتر شد او در سالهای بعد از کودتا حتی حاضر شد برای ادامه مبارزه‌اش با حزب توده ایران دست یازی محافل حکومت کودتا را هم بپوشد. تجربه انشعاب باند فروتن و قاسمی (سازمان انقلابی ۱) از حزب توده ایران نیز نمونه دیگری از همین

فکر خود اصرار می‌ورزیدند. در شرایطی که انقلاب ما یکی از بخرنخ‌ترین مراحل رشد خود را می‌پیماید، در شرایطی که امریکالیسم جهانی بسرگردگی امریکالیسم امریکا تلاش‌های خود را برای سرنگونی قهرآمیز جمهوری اسلامی ایران لحظه تشدید می‌کنند، در شرایطی که خطر تجاوز نظامی از جانب کشورهای ارتجاعی منطقه روز به روز افزایش می‌یابد، در شرایطی که رژیم جنایتکار صدام، علیرغم تمام شکست‌های مهلک همچنان بر ادامه تجاوز نظامی به کشور ما اصرار می‌ورزد و در شرایطی که همه نیروهای مدافع بزرگ مالکی و کلان‌مقیاسه داری با چنگ و دندان به جان انقلاب افتاده‌اند تا جلوی انجام اصلاحات بنیادین اجتماعی - اقتصادی را بگیرند، در شرایطی که محافل دست راستی افراطی مذهبی از قبیل انجمن حجتیه و "احزاب" نویسان آن هرچه در چنته دارند رو می‌کنند که دشمنی‌ها و تفاق‌ها را در میان صفوف خلق ما دامن زنند در شرایطی که رهبری خائن مجاهدین، جبهه‌ها و نهضت‌های ورشکسته لیبرالی، مائوئیست‌های امریکایی، گروهک‌های چپ رو و چپ‌نمسا، سلطنت‌طلبان و ساواکی‌ها و نظائرشان همه و همه عداوت در دست هم گذاشته و با ایجاد اغتشاش، ترور، آشوب ناامنی و کارشکنی در تولید و غیره همه تلاش خود را علیه مصالح خلق ما بکار انداخته‌اند، برعهده نیروهای سیاسی آگاه و انقلابی است که با برگرداندن همه‌قلم‌ها و قدم‌ها، با برگرداندن همه مشت‌ها و مسلسل‌ها به سوی جبهه متحد ضدانقلاب بسرگردگی امریکالیسم امریکا صفوف خود را فشرده‌تر سازند و اجازه ندهند خیل دشمنان دیوسیرت خلق ما از اختلافات نظر میان ما، ولوایکنه ایمن - اختلاف‌نظرها جدی هم باشد، به سود خود بهره‌برداری نمایند و از این طریق بین صفوف مردم تفرقه بیندازند. در چنین شرایطی نیاز اساسی انقلاب، وحدت و اتحاد همه نیروهای مدافع آماج‌های انقلاب است. در چنین شرایطی بیگیرترین و صدیق‌ترین نیروهای مدافع انقلاب مسئولیتی دوچندان برعهده دارند. با کمال تأسف در شرایطی این چنین خفیه، نتیجه کار دسته‌ای که هلیل‌رودی و کشتگر می‌کشند بوجود بیآورند چیزی جز تشدید تفاق و چند دستگی نخواهد بود. نتیجه کار آنها چه خود بخواهند و چه آن را انکار کنند، درست به همان‌گونه که سرایای جزوه‌شان نشان می‌دهد چیزی نیست جز رهاکردن امریکالیسم امریکا و عمال داخلی و خارجی آن و کشاندن اذهان به دشمنی با حزب توده ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت). آنها در این حیوچه نبرد نیروهای مدافع انقلاب با دشمنان آن به جای اینکه همه سعی خود را در راه تحکیم وحدت و گسترش فعال اتحاد عمل و همفکری و مشاوره میان همه نیروهای مدافع انقلاب با تمام وجود استقبال کنند به‌جای اینکه همه سعی‌شان این باشد که چگونه و از چه طریق می‌باید گامی در راه اتحاد همه نیروهای خلق بردارند، راه وحدت‌شکنی و ایجاد تشتت میان نیروهای پیگیر مدافع انقلاب را در پیش گرفته‌اند. آنها تمام تلاش خود را بکار گرفته‌اند که اگر بتوانند حتی با

اخیراً در تهران و برخی شهرستان‌ها جزوه‌ای تحت عنوان "با انحلال طلبی مبارزه کنیم، از وحدت اصولی دفاع نمائیم" با امضای سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) پخش شده است. نویسندگان این جزوه که به دروغ خود را سازمان نامیده‌اند، بدون اطلاع کمیته مرکزی و هیچیک از کمیته‌های ایالتی سازمان به چنین اقدامی دست زده‌اند. طراح اصلی این نقشه فردی به نام دکتر هلیل‌رودی (پرهام) استاد دانشگاه و فعال سابق کفدراسیون در خارج از کشور است که سال گذشته توسط علی‌محمد فرخنده‌جهرمی که در محافل روشنفکری به علی کشتگر شناخته شده برای عضویت به سازمان معرفی شده است. نویسنده اصلی جزوه علی کشتگر از فعالین سابق کانون نویسندگان است که پس از انقلاب به سازمان پیوسته است.

نویسندگان این جزوه، امریکالیسم امریکا، دولت‌های ارتجاعی منطقه و همه دشمنان کینه‌توز انقلاب ما را بکلی به فراموشی سپرده‌اند و لبه تیز حمله خود را متوجه حزب توده ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) ساخته و آنان را آماج تهمت‌ها و افتراعات ناروای خود قرار داده‌اند. آنها در تمام جزوه خود تلاش کرده‌اند نیروهای مردم و متزلزل بینابینی را به سوی خود جلب و علیه سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) و حزب توده ایران به مبارزه بکشانند.

آنها به این دروغ بزرگ متوسل شده‌اند که گویا کمیته‌های ایالتی استان‌های مختلف نماینده انتخاب کرده و برای شرکت در این اقدام توطئه‌گرانه به تهران فرستاده‌اند. آنها بدین وسیله خواستند در ذهن مردم این توم را بوجود آورند که گویا توانسته‌اند سازمان را بشکنند و بعضی از ارگان‌های رهبری سازمان را با خود همراه سازند. کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) این خبر دروغ را به شدت تکذیب و عمل سازمان‌شکنانه و ضد - کمونیستی و غرض‌آلود آنان را قویاً محکوم می‌کند. افکار علی کشتگر و دوست او دکتر هلیل‌رودی از مدت‌ها قبل به دلیل وجود تزلزل جدی در برخورد با حادثین مسائل انقلاب شکوهمند مردم ما به‌ویژه به علت تزلزل در افشای قاطع آزادی‌خواهی دروغین لیبرالها، تزلزل در محکوم شناختن باند بنی‌صدر در برابر خط امام، تزلزل در برخورد با رهبری خائن مجاهدین و همچنین به دلیل ادامه ضدیت کینه‌توزانه با حزب توده ایران در نظر همه نیروهای آگاه و هشیار سازمان ما افکاری شیشه - مائوئیستی، لیبرالی و راست‌روانه شناخته شده و مژگردیده بود. با این همه کمیته مرکزی سازمان تمام تلاش‌های مسئولانه و تمام امکانات موجود خود را بکار بست تا آنها را برای غلبه بر اشتباهات و افکار غیرانقلابی‌شان باری دهد. و به‌ویژه ضعف آنان را در بیگانگی با روح انضباطی سازمانی برطرف سازد. لاکن متأسفانه سازمان تا امروز هنوز موفق نشده‌است عمیق ضعف و انحراف فکر آنان را ریشه‌کن سازد. آنها گرچه بطور سطحی انتقادات را می‌پذیرفتند لاکن در عمل همچنان بر ادامه ضعف‌ها و حفظ انحراف

اقدامات است. تمام کسانی که سازمان ما را ترک کرده‌اند نیز در عمل نشان داده‌اند که به همان میزان که بیشتر با سازمان دشمنی کرده‌اند، به همان میزان که بیشتر آماده شده‌اند علیه پیگیرترین نیروهای انقلابی فعالیت کنند. به همان میزان بیشتر زور در روی نیروهای مدافع انقلاب و مورد تشویق بلندگوهای ضدانقلابی قرار گرفته‌اند.

افکار و گرایش‌های انحرافی کشتگر و هلیل‌رودی کدام نیروهای اجتماعی را جذب می‌کند؟ تا قبل از تحولات چند ماهه اخیر جریان‌های چپ‌رو نظیر مجاهدین اقلیت و نظائرشان همراه و همگام با لیبرالها و همه باندهای ضدانقلابی تمام تلاش خود را بکار بردند تا انقلاب و جمهوری اسلامی را درهم شکنند. آنها در اجرای این نقشه همه نیروهای مدافع انقلاب و جمهوری اسلامی را آماج سخت‌ترین حملات خود قرار دادند؛ لکن خط براندازی چنانکه پیش‌بینی می‌شد اکنون با شکست سختی مواجه گردیده است.

از میان مجموعه نیروهایی که از این خط حمایت می‌کردند قشرهای میانه‌حال و مرفه جامعه، به‌ویژه طبیف‌وسیی از اقشار روشنفکری که به کارهای بنی‌صدر، مجاهدین و دیگر چپ‌روها امید بسته بودند، اکنون با ورشکستگی تاکتیک‌های براندازی در جستجوی راه‌های تازه‌ای در دفاع از منافع خود هستند. جریان‌های شبه-مائوفیستی که تا همین چند وقت پیش از تاکتیک‌های چپ‌روانه حمایت می‌کردند، اکنون با ورشکستگی این تاکتیک‌ها تجزیه می‌شوند. در این میان کسانی که به علت ناآگاهی بدین راه کشیده شده بودند یا بشاهده واقعیات و استواری اصنام خمینی در مبارزه ضدامپریالیستی و مردمی به اشتباه خود پی برده به اردوی انقلاب روی می‌آورند بخش دیگری از این نیروها که عمدتاً از اقشار میانه‌حال و مرفه بوروکراتیک و روشنفکری تشکیل شده‌اند زمانی که از تاکتیک‌های براندازی نومید می‌شوند، زمانی که جمهوری اسلامی ایران رو به تثبیت می‌رود دست از حمایت از تاکتیک‌های چپ‌رو نیز برمی‌دارند و به سوی اشکال مبارزه قانونی روی می‌آورند. آنها در پیدایی یک جریان "معتول و میانه‌رو" بسیار بسیار ذتیت‌مند چریایی که شعارهای ضدامپریالیستی و ضدبزرگ‌مالکی و کلان‌سرمایه‌داری را که خواست‌هایی جز خواست‌های ایشان را دنبال می‌کند، بسته فراموشی سپارد و شعارهایی در جهت کس آزادی‌های لیبرالی و "امنیت غذایی" و از این قبیل را در دسترس قرار دهد.

راه تعمیق انقلاب قبل از هر چیز راه تشدید و ادامه مبارزه علیه امپریالیسم و کلان‌سرمایه‌داری و بزرگ‌مالکی است. و لازمه پیشرفت این مبارزه نزدیکی نیروهای راستین مدافع انقلاب و افراد نیروهای دست راستی است، همان نیروهایی که هنوز هم روی ست‌گیری حکومت قویا اعمال نفوذ می‌کنند و چنانکه می‌بینیم نمی‌گذارند به نفع محرومان و زحمتکشان هیچ اقدامی شود. اکنون نیروهای دست راستی روی هر اقدامی که نیروهای چپ‌رو خط امام به نفع زحمتکشان انجام

می‌دهند. برجسته کمونیستی یا برجسته غیرشرعی می‌زنند آنها لبه تیز حمله خود را متوجه توده‌های ما و اکثریتی‌ها می‌کنند و از "خطر کمونیسم" دم می‌زنند. در شرایط فعلی بخش‌هایی از لایه‌های میانی و مرفه بوروکراتیک و روشنفکری در جبهه‌بندی جدیدی که شکل می‌گیرد، بسیار بسیار ذتیت‌مند که با این نیروهای دست راستی همسو شوند، میان نیروهای مدافع خط ضدامپریالیستی و مردمی اصنام خمینی نفاق و چنددستگی بیاندازند و از این طریق تا می‌توانند صف این نیروهای مدافع انقلاب و جمهوری را تضعیف کنند.

اکنون که داز و دسته بنی‌صدر، مجاهدین، اقلیت و متحدانشان شکست خورده‌اند نیروهای اجتماعی مدافع آنان قطعاً تجزیه می‌شوند. بخشی که به علت بفرنجی شرایط، ناآگاهانه بدین راه کشیده شده‌اند جای خالی خود را در اردوی نیروهای پیگیر مدافع انقلاب بازمی‌یابند بسیاری که آمال و آرزوهای افشار میانه‌حال و مرفه بوروکراتیک و روشنفکری را می‌پذیرند منافع خود را در شکل‌گیری چریایی با مشخصات فوق که دست به "مبارزه قانونی" می‌زنند جستجو می‌کنند. این اقشار بسیار بسیار مایل خواهند شد که در صورتی که کشتگر و هلیل‌رودی موفق شوند دست‌های درست کنند و در ادامه راهی که برگزیده‌اند اصرار ورزند سیاست آن را در راستای منافع واقعی خود بیابند. اگر چنین شود نیروهای دست راستی درون حاکمیت نیز کاملاً آماده‌اند که برای آنها دست تکان دهند و در گام‌های بعدی دست آنها را بفشارند.

کمیته مرکزی سازمان حداکثر تلاش مسئولانه خود را بکار برده و می‌برد که علی‌کشتگر، هلیل‌رودی و دیگر دوستان آنها از کشیده شدن به این انحراف راست‌روانه مانع شود. نمایندگان کمیته مرکزی از آخرین تمارش‌های خود با طراحان این نقشه یکپاکی آنچه را که در فوق اشاره شد به آنها تذکر داده‌اند. ما به آنها گفته‌ایم مائوفیسم از پرخاش‌های خنله امپریالیسم ضرورتاً به دوستی صمیمانه با امپریالیسم کشیده می‌شود. ما به آنها صریحاً تذکر داده‌ایم که عملشان و راهشان همان عمل و راه خلیل‌ملکی است. ما به آنها گفته‌ایم که چنانچه موفق شوند علیه سازمان دست‌های درست کنند یقین بدانند که مظرف‌بایی‌های امروزی هم‌رازی ایشان خواهند شد. ما به آنها صریحاً گفته‌ایم و یقین داریم که این داوری ما درباره راهی که می‌روید با جنجال‌های ناهنجار و فریادهای مخالفت‌آمیز شما مواجه خواهد شد. اما به نیکی نیز یقین داریم که تاریخ و همه یاران راستین طبقه کارگر در هر کجا که باشند در این قضاوت با ما همراه و هم‌عقیده هستند و خواهند بود.

کمیته مرکزی سازمان صمیمانه امیدوار است که این تجربه‌های تلخ تکرار نشود و علی‌کشتگر و هلیل‌رودی و دیگر کسانی که دشمنی با سازمان ما و حزب توده ایران را دامن می‌زنند به عمق انحراف فکری خود پی برند. و از راه بسیار خطرناکی که در پیش گرفته‌اند، بازگردند. کمیته مرکزی سازمان با توجه به سوابق دکتر

هلیل‌رودی امید زیادی ندارد که از مدافع واقعی انقلاب و رزمنده‌های طبقه کارگر باشد لکن با کمال تأسف یکی از اعضای کمیته مرکزی سازمان به نام رفیق هیت‌الله معینی جاغروند، هم به علت نارسی‌های کار تشکیلات هم به علت اشتباهات بسیار مهلکی که مرتکب شده است در این اقدام سازمان‌شکنانه شریک گردیده و راه خویشترا از یاران دیرینش جدا کرده است کمیته مرکزی سازمان از رفیق معینی و سایر کسانی که عجزولانسه تصمیم گرفتند صمیمانه دعوت می‌کند که از طریق بازگشت به سازمان‌شان بر اشتباهات مهلک خود پیروز گردند کمیته مرکزی سازمان از بیستم آذرماه ۱۳۶۰ به مسندت یک هفته به کسانی که به این اقدام سازمان‌شکنانه پیوسته‌اند مهلت داده است که به سازمان خود بازگردند. در پایان این مهلت چنانچه طراحان اصلی این اقدام وحدت‌شکنانه به این دعوت توجه نکنند از سازمان اخراج خواهند شد پس از این مهلت باز هم آغوش سازمان به روی کسانی که به عمق نادرستی اقدام خود پی می‌برند و به سازمان‌شان باز می‌گردند، گشوده خواهد بود.

پیام کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) به همه شما نیروهای انقلابی، به همه یاران صدیق خلق، به همه شما مبین دوستانی که برای پیروزی انقلاب می‌زמיד این است کسه صمیمانه و صادقانه بگوئیم در این شرایط خطیر که خلق قهرمان در سخت‌ترین پیکارهای تاریخ حیات خویش درگیر است، از هر نوع تفرقه و نفاق که مطمئناً خواست امپریالیسم و آرزوی دشمنان ماست، بپرهیزیم. وظیفه ماست که با هر اقدام وحدت‌شکن و دشمن‌شادکن با قاطعیت تمام مخالفت کنیم و رهروان آن را با روشنگری‌های خلق از ادامه راهی که می‌روند برحذر داریم. پیام کمیته مرکزی سازمان به اعضا و هواداران آن است که صورانه ست، آینده و عواقب این نوع حرکات وحدت‌ستیزانه را برای دوستانی که به علل مختلف ممکن است در دام این انحرافات گرفتار شوند توضیح دهید و آنها را از ادامه آن برحذر دارید. بگوئید به هر اندازه که می‌توانید با کسانی که به اشتباه تصمیم غلط می‌گیرند به بحث و گفتگوی رفیقانه بنشینید و دلایل نادرستی افکار و اقداماتی نظیر آنچه که کشتگر، هلیل‌رودی و سایرین در پیش گرفته‌اند را برای آنها صورانه توضیح دهید. و آنان را از عواقب این کار بی‌آگاهانید.

کمیته مرکزی سازمان برای همه شما رزمندگان صدیق و فدائیان و پیگیر انقلاب وحدت و هشیاری بیشتر، برای خلق قهرمانان در این پیکار سترگ انقلابی و ضدامپریالیستی و مردمی‌اش موفقیت و پیشرفت بازم بیشتر برای همه ملت‌های جهان صلح و دوستی و سعادت روزافزون آرزو می‌کند.

کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

شنبه ۲۱ آذرماه ۱۳۶۰

توضیحات رفیق فرخ نگهبان ...

از صفحه ۴
و وحدت شکنی می‌کنند، دقیقاً همان کسانی هستند که دیگر آمیدی ندارند نظراتشان در سازمان‌شان پذیرفته شود. آنها که از اثبات صحت و درستی نظرات خود مأیوس می‌شوند، برای تأمین منافع خود با همدستانشان علیه دیگران

دست به دسته‌بندی می‌زنند. راه کشتگرها راه وحدت نیست. راه تفرقه و نفاق است. آنها هرگز، حتی یک سر سوزن هم نمی‌توانند نشان دهند که طرفدار وحدت‌اند. آنها اگر طرفدار وحدت بودند انشعاب نمی‌کردند. کردار آنها ادعاهایشان را نقض می‌کند. هر عاقلی می‌تواند بسادگی بفهمد که اگر آنها خواهان وحدت با ما بودند از ما جدا نمی‌شدند. من در اینجا بیاد حرف امام می‌افتم

که در رابطه با حرف بنی‌صدر و رجوی خائن که گفته بودند به پاریس رفته‌اند که به ایران برگردند می‌گفت: "اگر می‌گوئید داریم برمی‌گردیم پس چرا فرار کردید؟ چرا رفتید؟" کشتگرها و هلیل‌رودی‌ها زیر شعار وحدت، وحدت را نقض می‌کنند. عمل آنها حرفشان را نقض می‌کند. راه آنها راه وحدت نیست. راه آنها راه تفرقه و نفاق و دسته‌بندی است. راه آنها خواست و نیاز امپریالیسم و عمال وی را تأمین می‌کند.

بمناسبت سالروز تولد انقلابی بزرگ حیدر عمو اوغلی

اتحاد درس بزرگ زندگی حیدر خان

☆ ۳۰ سال فعالیت انقلابی حیدر خان که انترناسیونالیستی واقعی و لاجرم میهن پرستی صدیق ، پرشور و جان برکف بود ، در یک کلام جمع بندی می شود : تلاش خستگی ناپذیر در راه اتحاد خلق

در صفحه ۱۴

ریم صدام را رسواتر ساخت :

بمباران جنایتکارانه مردم ایلام در نماز جماعت

بمباران مناطق مسکونی و مردم بی دفاع شهرها ، واکنش مایوسانه خشمگینانه و دیوانهوار صدام در مقابل مقاومت حماسه آفرین مردم ما و نیز برای پنهان داشتن رسوایی شکست های پی در پی او در جبهه هاست

در صفحه ۱۴

تلاش ارتجاعی ترین محافل جهان برای تدارک جنگ محکوم به شکست است

● وزیران خارجه کشورهای " پیمان ورشو " : مبرم ترین مسأله امروز جهان قطع فوری مسابقه تسلیحاتی و گذار به خلع سلاح موثر برای پشتیبانی از تنش زدایی بین المللی است

در صفحه ۱۱

ارگانهای دولتی را در سنج از عناصر تنگ نگر و مشکوک پاکسازی کنید

در صفحه ۱۶

برنامه تلویزیونی: " آنسوی خبر " در کدام سو است؟

» شوروی را مطرح می کنند

که آمریکا منسی شود» امام خمینی

تهیه کنندگان این برنامه می گویند با ظرافت کامل مطالب را چنان انتخاب ، سرهم بندی و تحریف کنند که تز مائوئیستی " دوا بر قدرت " جا بیفتد . و بعد از آنکه چنان وانمود کردند که " دوا بر قدرت " جنایتکارند ، آنگاه چنان مسیری را بروند که " امریکا فراموش شود " شوروی " خطر اصلی " ، و " مارکسیسم " " شیطان اکبر " قلمداد شود .

●●●●

در صفحه ۱۲

چگونه "سیا" برای ضد انقلابیون خرابکار افغانی نقشه جغرافیایی تهیه می کند

● نقشه های جغرافیایی " سیا " بخشی از توطئه گسترده و جنگ اعلام نشده امپریالیسم علیه جمهوری دمکراتیک افغانستان است که به " مجاهدین " امریکایی راه های " موثرتر " توطئه گری علیه مردم انقلابی این کشور را نشان می دهد .

در صفحه ۹

فدائیان خلق (اکثریت):

در صفحه ۵

ساد ناسداران را به سلاح های سنگین مجهز کند

اولین گردان زرهی سپاه پاسداران بانانکهای عراقی به غنیمت گرفته شده تشکیل شد

پیشن یسوی تشکیل حزب طبقه کارگر